



زیر آتش دو جبهه

انتقاد جریان‌های سیاسی از عراقچی



از عشق و درد

به یاد رضا یحیایی مجسمه‌ساز ایرانی



نسل طلایی به شماره افتاد

به یاد سعید مظفری دوبلور قدیمی



جیب‌ها و مغزهای خالی

درباره روز جهانی مبارزه با فقر



مخترع اسنپ‌بک

روس‌ها می‌گویند: اسنپ‌بک دامی بود که غربی‌ها برای محمدجواد ظریف گذاشتند
آمریکایی‌ها می‌گویند: اسنپ‌بک به پیشنهاد لاوروف وزیر خارجه روسیه در برجام گنجانده شد
سازندگی به این موضوع پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

سرنگی لاوروف به تازگی در مصاحبه‌ای روایت پرجنجال اسنپ‌بک را زنده کرد و درباره چگونگی ورود آن به برجام گفت: «اگر شرکای ایرانی ما با چنین فرمولی موافقت کردند، صادقانه بگویم یک دام حقوقی بود و ما دلیلی برای مخالفت نداشتیم». این جمله کوتاه، نه‌تنه خاک روی یکی از مبهم‌ترین بخش‌های برجام را کنار زد بلکه معامی قدیمی را دوباره زنده کرد: چه کسی واقعاً سازوکار «مکانیسم ماشه» را طراحی کرد؟

لاوروف در توضیح بیشتر گفت، او درک می‌کند چسرا محمدجواد ظریف، وزیر خارجه وقت ایران از آن فرمول حمایت کرد؛ چون ایران باور داشت هیچ‌گاه تعهداتش را نقض نخواهد کرد و دلیلی برای نگرانی از فعال شدن ماشه وجود ندارد. اما داستان همان‌طور که تاریخ نشان داد به مسیر دیگری رفت: ایران توافق را نقض نکرد اما آمریکا از آن خارج شد و اروپایی‌ها هم، در سکوتی طولانی، از ایفای نقش خود بازماندند. لاوروف ادامه داد: «اروپایی‌ها که باید برای حفظ توافق تلاش می‌کردند به جای آن شروع کردند به متقاعد کردن ایران که عقب‌نشینی کند. گفتند «آمریکایی‌ها کنار کشیدند، ناراحت نباشید، اینجا تسلیم شوید». درست در نقطه‌ای که لاوروف این اظهارات را بیان کرد، بررسی روایت فرد دیگری در اتاق‌های بسته هتل کوبورگ وین حضور داشت، جالب به نظر می‌رسد.

وندی شرمن در کتاب خاطراتش با عنوان «ترس یعنی شکست» از همان «دام حقوقی» سخن می‌گوید اما با زاویه‌ای کاملاً متفاوت. او می‌نویسد: «گنجاندن اسنپ‌بک یا همان بازگشت خودکار تحریم‌های سازمان ملل، یکی از آخرین و

دشوارترین بخش‌های مذاکرات بود. این لاوروف بود که با طرحی خلاقانه، بن‌بست را شکست». به روایت او، کشورهای ۵+۱ نمی‌خواستند دوباره مسیر طاقت‌فرسای تصویب قطعنامه‌های جدید در شورای امنیت را طی کنند اما در عین حال باید راهی برای برخورد با تخطی احتمالی ایران می‌یافتند. در همان حال روسیه نمی‌خواست اختیار «حق وتو» از دستش خارج شود. راه‌حل، به سبک روسی، دقیق و پیچیده بود: اگر یکی از اعضای گروه معتقد می‌شد ایران توافق را نقض کرده، می‌توانست از شورای امنیت بخواهد قطعنامه‌ای را به رأی بگذارد، قطعنامه‌ای که در ظاهر خواستار ادامه لغو تحریم‌ها بود. اگر یکی از اعضا، مثلاً آمریکا، این قطعنامه را وتو می‌کرد، تحریم‌ها به‌طور خودکار بازمی‌گشتند. به بیان دیگر تحریم‌ها هرگز لغو نشدند بلکه تنها در حالت تعلیق قرار گرفتند؛ معادله‌ای که امروز ۱۰ سال پس از امضای برجام، معنای تلخ خود را نشان داده است.

دو روایت، یک تناقض

اکنون با گذشت سال‌ها از آن مذاکرات نفس‌گیر، لاوروف می‌گوید مکانیسم ماشه ابداع ظریف بود؛ و شرمن مدعی است که لاوروف خودش معمار آن بوده است. تضاد میان این دو روایت در شرایطی تازه معنا می‌یابد که چند هفته پیش، مکانیسم ماشه بار دیگر علیه ایران فعال شد و شورای امنیت سازمان ملل، با استناد به همان بند، تحریم‌های گذشته را احیا کرد. تحریم‌هایی که از منظر سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه نامشروع بوده و معتقد است: «ادعای آمریکا و سه کشور اروپایی مبنی بر بازگشت قطعنامه‌های لغو شده، باطل است و هیچ اثر حقوقی ندارد». اما آنچه عراقچی با زبان حقوقی بیان کرد، در افکار عمومی، پژواکی از همان پرسش قدیمی بود: آیا ایران از ابتدا در دام یک طراحی هوشمندانه افتاد؟

ادامه در صفحه ۳

استقلال از دست رفته

انتخابات سازمان پزشکی در سایه ردصلاحیت‌های گسترده، روز جمعه برگزار می‌شود

پزشکان				
				
دکتر رضا مطهری کد انتخاباتی: ۳۵۴	دکتر فرزانه زرکان کد انتخاباتی: ۱۷۵	دکتر نادر نوکلی کد انتخاباتی: ۱۷۹	دکتر علیرضا سلیمی کد انتخاباتی: ۲۵۳	دکتر شروین جو کد انتخاباتی: ۴۹۰
				
دکتر عیاس هوزبانی کد انتخاباتی: ۳۴۶	دکتر سینا کتوری کد انتخاباتی: ۳۱۴	دکتر مهدی پورآناداری کد انتخاباتی: ۱۵۹	دکتر عرفان فرید کد انتخاباتی: ۲۱۵	دکتر رقیه دابیری کد انتخاباتی: ۱۱۴
دندانپزشکان		دارو سازان		
				
دکتر حسین فرهاد کد انتخاباتی: ۴۳۲	دکتر هانیه افشار کد انتخاباتی: ۴۳۳	دکتر علیرضا سولتانی کد انتخاباتی: ۵۲۱	دکتر وحیده جلالکی کد انتخاباتی: ۵۱۵	
علوم آزمایشگاهی		ماما		کارشناس پروانه دار
				
دکتر محمدعلی برومند کد انتخاباتی: ۷۱۳	دکتر نسیم ستایش کد انتخاباتی: ۱۱۳	دکتر ایرج عبدلهی کد انتخاباتی: ۱۱۳۳	دکتر ایرج عبدلهی کد انتخاباتی: ۱۱۳۳	دکتر ایرج عبدلهی کد انتخاباتی: ۱۱۳۳

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



در آستانه برگزاری نهمین دوره انتخابات سازمان نظام پزشکی، بحث گسترده‌ای بر سر اعلام نامزدهای ردصلاحیت شده در جریان است. سیدمحمد جمالیان، رئیس هیات نظارت مرکزی این انتخابات، تعداد ثبت‌نام‌کنندگان را ۶۱۰ نفر اعلام کرده و گفته است: «خوشبختانه از میان حدود ۶۱۰ نفر ثبت‌نام‌کننده، تنها ۳۵ نفر ردصلاحیت شدند و این نشان‌دهنده سیاست باز، عادلانه و قانون‌مدار هیات نظارت است». به گفته او حتی برای کسانی که سوابق تخلف یا محکومیت داشتند، فرصت بررسی مجدد و رفع آثار قانونی فراهم شده است.

با وجود موضع رسمی درباره کم بودن میزان ردصلاحیت، بسیاری از پزشکان ردصلاحیت شده مدعی‌اند، تعداد واقعی بسیار بیشتر است. هادی یزدانی، پزشک اصفهانی از داوطلبان منتفی شده، می‌گوید: «بسیاری از افراد از جمله خود من، بدون داشتن محکومیت قضایی یا انتظامی و حتی بدون سوء پیشینه صرفاً براساس استدلال‌های نامشخص ردصلاحیت شده‌اند». مشابه همین نظر را مهدیار سعیدیان، پزشک مشهدی، دارد. او یادآوری می‌کند که عده‌ای «به‌دلیل اتفاقات سال ۱۴۰۱ پرونده داشته‌اند اما حتی محکوم هم نشده بودند و همان‌ها حالا ردصلاحیت شده‌اند».

گزارش‌های رسانه‌ها نیز حاکی است، ردصلاحیت‌ها محدود به افراد بی‌سابقه نیست، «چهره‌های دولتی، روسای دانشگاه‌ها و مشاوران وزارت بهداشت» هم در فهرست ردصلاحیت‌شدگان بوده‌اند. از جمله نام‌هایی چون شهاب‌الدین صدر، علی تاجرنیا، سینا جمالیان، علیرضا سلیمی، رضا دستنشان، توماج خسروی و غنچه لنگری در تهران و هادی یزدانی در اصفهان به‌عنوان ردصلاحیت‌شدگان اعلام شده‌اند.

ابهام در معیارهای رد صلاحیت

وجه دیگری از نگرانی‌ها به عدم شفافیت در اعلام دلایل ردصلاحیت‌ها مربوط می‌شود. پزشکان می‌گویند نه تنها مصادیق ردصلاحیت‌ها روشن نیست بلکه خود هیات‌های نظارت استانی هم در تصمیم‌گیری نقشی صرفاً تشریفاتی دارند. هادی یزدانی تصریح می‌کند: «به نظر می‌رسد، هیات‌های نظارت اختیار چندانی ندارند و صرفاً امضاکننده نتایجی هستند که به آنها ابلاغ می‌شود». او می‌گوید به کاندیداها هیچ «مستند روشن» ارائه نشده و گاه کار فقط به اکتفا به عبارت «استعلام منفی» کشیده است.

یزدانی با اشاره به سیاست جدید «مشاغل خاص و حساس» می‌گوید در این دوره علاوه بر مراجع معمول، وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه نیز در فرآیند استعلام دخیل شده‌اند. از نظر او این تغییر، شائبه «مهندسی انتخابات» را تداعی می‌کند؛ رویکردی شبیه به کاری که شورای نگهبان در انتخابات پیشین مجلس انجام داد یعنی استفاده از اصطلاح «عدم احراز صلاحیت» در کنار ردصلاحیت.

گمانه‌زنی‌های دیگری درباره ملاک‌های پنهان نیز شنیده می‌شود. برای مثال عده‌ای حدس می‌زنند «پیامک‌های حجاب» برای برخی زنان پزشک ملاک قرار گرفته است. یزدانی می‌گوید: «شنیده شده که برای بعضی افراد به‌دلیل دریافت پیامک مرتبط با حجاب، «عدم التزام اخلاقی» در نظر گرفته شده و ردصلاحیت شده‌اند». رضا لاری‌پور، سخنگوی سازمان نظام پزشکی اما چنین موضوعی را «بعید» می‌داند و می‌گوید: «موضوع حجاب مسبوق به سابقه نیست و فکر نمی‌کنم در این دوره اضافه شده باشد». با این حال استدلال برخی پزشکان آن است که حتی تصور پذیرفته شدن چنین معیاری، به‌خودی‌خود، پیام روشنی درباره محدود کردن داوطلبان مستقل دارد.

ادامه در صفحه ۷

پنهان کاری نمی‌کنیم

سخنگوی دولت اعلام کرد: فعلاً تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین نداریم، اما اگر بخواهد تغییری صورت بگیرد، مربوط به سهمیه معمول مردم نیست بلکه مربوط به سهمیه‌های اضافه است



یادداشت روز

تهدید حقوق

اعضای جامعه پزشکی

راهکارهای ائتلاف سپید برای حفظ حقوق انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان



علی تاجرنیا

دبیرکل انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران

انتخابات سازمان نظام پزشکی در نهمین دوره خودش جمعه ۲۵ مهر ماه برگزار می‌شود، این انتخابات در اصل باید حدود ۳ ماه پیش برگزار می‌شد که به دلیل شرایط جنگ ۱۲ روزه که رژیم غاصب اسرائیل علیه کشورمان ایجاد کردند به تعویق افتاد، البته فکر می‌کنم، می‌توانستیم مدیریت کنیم و انتخابات را در زمان زودتری برگزار کنیم با توجه به اینکه بسیاری از ثبت‌نام‌ها در زمان خودش اتفاق افتاد اما به هر حال تصمیم شورای اجرایی و نظارت انتخابات بود که نهایتاً منجر به برگزاری انتخابات در تاریخ ۲۵ مهر ماه شد.

یکی از مسایلی که در آغاز انتخابات به شدت خودش را نشان داد، عدم هماهنگی و انسجام بین هیات‌های اجرایی و نظارت بود، متأسفانه شاهد بودیم در ابتدای شروع پروسه انتخابات و بحث تأیید صلاحیت‌ها برخی از مواردی که طبق قانون باید به درستی و مشخص انجام شود به شکل قانونی صورت نگرفت، موضوع پاسخ‌ها به استعلامات به صورت شفاهی بود. در مرحله اولیه انتخابات بالغ بر ۴۰۰ نفر از اعضای نظام پزشکی در سراسر کشور ردصلاحیت شدند اگرچه بعدها اعلام شد که یک درصد واجدین شرایط صلاحیت‌شان تأیید نشده است. ائتلاف سپید و چهره‌های مستقل جامعه پزشکی معتقدند، کمیت‌ها در تأیید و ردصلاحیت‌ها مهم نیست، مهم این است که ما باید از حقوق تک‌تک اعضای جامعه پزشکی دفاع کنیم، اگر قرار باشد که مراتب طبق قانون صورت نگرفته باشد حتی ردصلاحیت یک عضو جامعه پزشکی هم می‌تواند یک مساله مهم و جدی تلقی شود. آنچه در موضوع ردصلاحیت‌ها مهم است، این است که هم حق انتخاب‌شونده و هم حق انتخاب‌کننده تهدید می‌شود یعنی وقتی فردی را از حضور در انتخابات محروم می‌کنیم عملاً انتخاب‌کنندگان را هم از فرصتی محروم می‌کنیم. خوشبختانه فکر می‌کنم بعد از اینکه دستگاه‌های نظارتی و دستگاه‌های حافظ قانون و مقررات ورود کردند و با توجه به تغییری که در رویکرد نهادهای اطلاعاتی-امنیتی و هیات نظارت مرکزی صورت گرفت، خوشبختانه بخش عمده‌ای از این ردصلاحیت‌ها برگشت و می‌توانیم بگویم، انتخابات در حد خودش یک انتخابات نسبتاً آزاد است هرچند متأسفانه شرایطی که در گذشته وجود داشته و محدود شدن اختیارات سازمان نظام پزشکی عملاً باعث شده که بسیاری از چهره‌های جامعه پزشکی چه به عنوان انتخاب‌شونده و چه به عنوان انتخاب‌کننده در میدان حضور نداشته باشند.

اگر بحث مشارکت در انتخابات را مطرح می‌کنیم و آن را عامل بسیار مهمی برای تقویت سازمان می‌دانیم باید زمینه‌های این حضور و مشارکت ایجاد شود، یکی از مهم‌ترین مسایلی که موجب مشارکت در انتخابات می‌شود، میزان کارآمدی سازمان نظام پزشکی است و توجهی که نهادهای دولتی و سازمان‌های مربوطه به اختیارات سازمان نظام پزشکی می‌کنند. در قانون نظام پزشکی یکی از مهم‌ترین مسائل، بحث تعیین تعرفه بخش خصوصی بوده و ما متأسفانه شاهد هستیم که یک سال بعد از اینکه این قانون مرتقی در مجلس ششم به تصویب رسید، اجرایش توسط دولت با مشکل مواجه شد و عملاً در برنامه توسعه این حق سازمان نظام پزشکی از آن سلب شد.

ادامه در صفحه ۷



سال هشتم شماره ۲۰۸۸
پنج‌شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت سیاسی

گفت‌وگو زیر تیغ تندروها

به جای خاموش کردن صداها
شنیدن را تمرین کنیم



عاطفه شمس

گروه سیاسی

موج حملات اخیر تندروها به چهره‌های باسابقه انقلاب، بار دیگر نشان داد که باب گفت‌وگو در فضای رسمی کشور همچنان در تنگناست. پس از حملات به محمدرضا باهنر، فعال سیاسی اصولگرا و نماینده ادوار مجلس به‌دلیل بیان نظرانش درباره حجاب، سخنان علی‌اکبر ناطق‌نوری درباره اشتباه بودن تسخیر سفارت آمریکا و اظهارات اخیر محمدرضا ظریف درباره مذاکره با جهان از موضع قدرت نیز بهانه جدید حملات تندروها و رسانه‌های آنان شد. سه چهره متفاوت از سه نسل انقلاب که تنها وجه مشترک‌شان، دعوت به بازنگری و گفت‌وگو درباره گذشته است. روزیک‌شنبه، سعید جلیلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در واکنش به ناطق‌نوری در شبکه ایکس نوشت: «ملت ایران سال‌ها پیش فهمید که لانه جاسوسی آمریکا محلی برای مقابله با ملت و منافع ملی ماست درحالی که امروز بسیاری از کشورهای اروپایی، تازه دریافته‌اند آن دفتر محلی برای جاسوسی حتی علیه صدراعظم خودشان بوده است». حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان نیز همان روز در یادداشتی با عنوان «آقای ناطق‌نوری از شما بعید بود!» اظهارات او را «غیرعلمی، غیرمنطقی و در تناقض با آموزه‌های اسلامی» دانست؛ موضعی که نه تحلیلی است و نه حتی تلاشی برای فهم چرایی طرح این پرسش‌ها از سوی یکی از چهره‌های باسابقه انقلاب بلکه بر پایه پیش‌فرضی شکل گرفته که در آن هر نوع بازنگری در تصمیمات گذشته به معنای فاصله گرفتن از اصول تلقی می‌شود و در واقع همان قرانت ثابت و تغییرناپذیری است که در ۴ دهه گذشته از این رخداد ارانه شده؛ قرائتی که اجازه نمی‌دهد بر پرتو تجربه تاریخی و تحولات سیاسی حتی پرسشی تازه درباره آن تصمیم طرح شود.

در همین حال محمدرضا ظریف نیز پس از انتشار تازه‌ترین سخنانش درباره تجربه مذاکرات هسته‌ای و ضرورت مذاکره با جهان از موضع قدرت، آماج حملات رسانه‌های اصولگرا شد. منتقدان او بدون اشاره به محتوای تحلیلی سخنانش، بار دیگر برچسب‌هایی چون ساده‌لوحی و اعتماد به دشمن را تکرار کردند؛ همان الگوی آشنایی که هر گفت‌وگوی تحلیلی درباره سیاست خارجی را به محاکمه سیاسی بدل می‌کند. ظریف، چه در دوران وزارت و چه پس از آن، بارها گفته که «سیاست خارجی عرصه رقابت جناحی نیست» اما واکنش‌ها نشان داد که برای برخی جریان‌ها، حفظ انحصار در روایت گذشته و حال بر منافع ملی مقدم است. پیش از این نیز محمدرضا باهنر از چهره‌های سنتی اصولگرا به خاطر سخنانش درباره حجاب با هجمه‌های مشابهی مواجه شد. تناقض در اینجاست که حتی سیاستمدارانی با سابقه وفاداری طولانی به نظام صرفاً به دلیل طرح پرسشی متفاوت یا تأکید بر عقلانیت به صف «دیگران» رانده می‌شوند. واقعیت این است که ناطق‌نوری، ظریف و باهنر، هر سه از موضع دلسوزی و تجربه سخن گفته‌اند. هیچ‌یک دشمن کشور نیستند، وجه مشترک‌شان این است که می‌خواهند در پرتو تجربه‌ی تاریخی درباره تصمیمات گذشته گفت‌وگو شود؛ گفت‌وگویی که اگرچه در بسیاری از کشورها، نشانه بلوغ سیاسی است اما در ایران هنوز با سوء ظن و برچسب مواجه می‌شود. واکنش‌هایی از جنس کیهان و جلیلی، نشان می‌دهد که بخش قدرتمندی از جریان تندرو اساساً با مفهوم گفت‌وگو مشکل دارد. در این نگاه نقد گذشته، نوعی گناه است و بازخوانی تاریخ، تهدیدی علیه روایت رسمی محسوب می‌شود. اما نتیجه چنین رویکردی، چیزی جز فقر گفت‌وگو و انباشت سوء تفاهم نیست و نه تنها مانع از یادگیری از تجربه می‌شود بلکه گفت‌وگوی ملی را به محاق می‌برد. تجربه چهار دهه گذشته، گواه آن است که هرگاه صدايي از درون برای بازنگری و اصلاح برخاسته با موج تخطئه روبه‌رو شده است. از هشدارهای محتاطانه چهره‌هایی چون ناطق‌نوری تا روایت‌های دیپلماتیکی چون ظریف و حتی توصیه‌های محافظه‌کارانه باهنر، همه در برابر یک منطق واحد قرار می‌گیرند؛ منع پرسش، منع بحث و منع گفت‌وگو. اما سوال این است که چرا هنوز نمی‌توان درباره تصمیمات تاریخی جمهوری اسلامی بدون هراس از توییخ یا تکفیر سیاسی سخن گفت؟ در حالی که اگر آن تصمیم‌ها درست و منطقی بوده‌اند، دفاع از آنها در فضای گفت‌وگو می‌تواند این درستی را تثبیت کند، نه تضعیف! تندروها هر بار با زبان تهدید، دیوار تازهای میان نسل‌ها و روایت‌ها می‌سازند؛ اما دیر یا زود، گفت‌وگو راه خود را باز می‌کند. جامعه‌ای که نقد گذشته را بر نمی‌تابد از مواجهه با آینده نیز عاجز می‌ماند. پس شاید بهتر باشد به جای خاموش کردن صداها، شنیدن را تمرین کنیم.

گروه سیاسی: وقتی مذاکرات هسته‌ای، تعامل با آژانس یا نشست‌های چندجانبه به نقطه‌ای برسند که حتی ذره‌ای از اعتماد در افکار عمومی یا جناح‌های سیاسی کاهش یابد، وزارت امور خارجه به‌عنوان و یرترین سیاست خارجی و عامل اول ارتباط با جهان، هدف طبیعی تدها و حملات سیاسی می‌شود و عراقچی که در میانه دو جریان سیاسی کشور جای گرفته حالا زیر آتش هم‌زمان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان قرار دارد. در حالی که تندروهای اصولگرا، او را به «انفعال در برابر غرب» متهم می‌کنند، اصلاح‌طلبان نیز از «محافظه‌کاری و فقدان ابتکار» او گلایه دارند. هر دو طیف تندرو و اصلاح‌طلب رادیکال در داخل کشور معمولاً در شرایط حساس تمایل دارند، فشارهای سیاسی‌شان را بر مقامات مسئول افزایش دهند، چه برای تسویه‌حساب‌های جناحی و چه برای امتداد قدرت رسانه‌ای و رقابت سیاسی و در حال حاضر نیز در این تقابل، عراقچی به دلیل سابقه‌اش در مذاکرات هسته‌ای و جایگاهی که در وزارت خارجه دارد، هم نقطه مخاطره است برای منتقدانش و هم مانع احتمالی برای کسانی که مذاکره را ترجیح می‌دهند.

سیدعباس عراقچی، دیپلماتی که نامش با مذاکره، خونسردی و لیخندهای محتاطانه گره خورده چهاردهم آذرماه ۱۳۴۱ در تهران به دنیا آمد. خانواده‌اش اصالتاً اصفهانی بودند؛ تاجرانی باسابقه در صنعت فرش که در بازار تهران و اصفهان شناخته می‌شدند. او در خانواده‌ای سنتی و پرتلاش بزرگ شد و از همان دوران نوجوانی به سیاست و روابط بین‌الملل علاقه‌مند بود. مسیر تحصیلی‌اش از دانشگاه تهران آغاز شد و تا دانشگاه «کنت» انگلستان ادامه یافت، جایی که دکتری اندیشه‌های سیاسی گرفت و تجربه زندگی در غرب را به اندوخته‌هایش افزود؛ تجربه‌ای که بعدها در مذاکرات هسته‌ای به کارش آمد. عراقچی پس از بازگشت به ایران از کارشناسی ساده در وزارت خارجه آغاز کرد و پله‌پله بالا رفت. از ریاست مرکز مطالعات خلیج فارس تا سفارت در فنلاند و ژاپن هر مرحله برای او درسی تازه بود. اما شهرت واقعی‌اش در دولت یازدهم و با حضور محمدرضا ظریف رقم خورد. او به عنوان معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه و از اعضای اصلی تیم مذاکره‌کننده برجام، یکی از چهره‌های کلیدی دیپلماسی ایران شد؛ مذاکره‌کننده‌ای دقیق، کرم‌چف اما تأثیرگذار که جمله معروفش در توییت – «دود سفید از ژنو برخاست» – در حافظه سیاسی ایرانیان ماندگار شد. پس از سال‌ها تجربه در وزارت خارجه، عراقچی در دولت سیزدهم، دبیر شورای راهبردی روابط خارجی شد و سرانجام در دولت مسعود پزشکیان به عنوان وزیر امور خارجه منصوب شد؛ نقطه اوج مسیری ۳۰ ساله در سیاست خارجی ایران. اما حالا درست در همین نقطه، همه‌ها از هر دو سو آغاز شده است.

موج انتقادهای اصلاح‌طلبان پس از آن شدت گرفت که وزیر امور خارجه اعلام کرد، ایران دعوت رئیس‌جمهور مصر برای حضور در نشست صلح خاورمیانه در شرم‌الشیخ را نپذیرفته است. عراقچی در توضیح این تصمیم گفت: «با وجود تمایل به تعاملات دیپلماتیک، نه رئیس‌جمهور و نه من، نمی‌توانیم با کسانی وارد تعامل شویم که به مردم ایران حمله کرده‌اند و همچنان ما را تهدید و تحریم می‌کنند». همین جمله، کافی بود تا سیل انتقاده‌ا

پارلمان

چالش شفافیت

نمایندگان بر ضرورت شفاف‌سازی هزینه‌های اداری و نظارتی مجلس تأکید کردند

گروه سیاسی: در جلسه علنی روز گذشته مجلس، موضوع بودجه مجلس در سال ۱۴۰۲ به‌عنوان نقطه‌ای چالش‌برانگیز در مجلس مطرح شد؛ تذکری که از سوی مهدی کوچک‌زاده، نماینده تهران ارائه شد و واکنش‌هایی از سوی دیگر نمایندگان و هیأت رئیسه به دنبال داشت. کوچک‌زاده گفت که بودجه مجلس در سال ۱۴۰۳ معادل ۷۴ هزار میلیارد و ۵۶۶ میلیون ریال بوده است، رقمی که گاه به شکل ناصحیح به‌صورت «هزار میلیاردی بودن بودجه مجلس» و پیوند آن با نمایندگان تفسیر می‌شود. او صراحتاً گفت: «ممکن است این نگرانی مطرح شو که این پول به نمایندگان داده می‌شود در حالی که اینگونه نیست؛ بلکه این بودجه مجلس است و مجلس هزینه‌های مختلفی دارد و بخش بسیار کوچکی از آن به همکاران محروم و مستضعف ما داده می‌شود». او تصریح کرد که طبق آئین‌نامه داخلی، مجلس موظف است تا پایان شهریور ماه، گزارش عملکرد بودجه سالانه خود را ارائه دهد، کاری که امسال انجام نشده و شباهه‌هایی را به وجود آورده است.

اظهارات کوچک‌زاده با واکنش برخی نمایندگان مواجه شد

از رسانه‌های اصلاح‌طلب به سوی او روانه شود. در میان منتقدان اصلاح‌طلب، عباس عبدی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی، صریح‌ترین موضع را گرفت. او در روزنامه هم‌میهن نوشت: «آقای وزیر تهی از هر ابتکار و خلاقیتی است و با اظهارات نسنجیده، ناکارآمدی وزارتخانه را دامن می‌زند. وزارت خارجه فاقد رویکرد میان‌مدت است و صرفاً اقتضایی عمل می‌کند». او حتی فراتر رفت و نوشت که بهتر بود، علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه می‌شد و هنوز هم برای چنین تغییری دیر نیست.

پیش‌تر نیز سارا معصومی، خبرنگار اصلاح‌طلب، عراقچی را «محافظه‌کارتر از دوران معاونت ظریف» دانسته بود. عراقچی اما در پاسخ، خود را «مجری سیاست‌های کلان نظام» معرفی کرد؛ پاسخی که البته برای بخشی از جریان اصلاح‌طلب، نشانه‌ای از «فاصله گرفتن او از گفتمان گفت‌وگو» تعبیر شد.

انتقادات اصلاح‌طلبان محدود به همین نماند. روزنامه‌های هم‌میهن، آرمان ملی و حتی عصر ایران در گزارش‌هایی جداگانه، مواضع وزیر خارجه را «غیرمنطقی»، «ضدتعامل» و «کاسه داغ‌تر از آش» توصیف کرد، از «انفعال دیپلماتیک ایران» نوشتند و تصمیم عدم حضور در شرم‌الشیخ را «فرصت‌سوزی» خواندند. به نظر می‌رسد، بخش قابل توجهی از اصلاح‌طلبان از آنجا دلخوردند که عراقچی – برخلاف انتظارشان – مسیر ظریف را ادامه نداد و در برابر پیشنهادهای مذاکره با آمریکا یا اروپا با صراحت گفت که توافق جامع را نه درک می‌کنیم و نه قبول داریم. اگر هم مذاکراتی صورت بگیرد فقط در حوزه هسته‌ای خواهد بود.

در سوی دیگر میدان، رسانه‌های اصولگرا نیز از حمله به وزیر خارجه غافل نماندند. روزنامه جوان در یادداشتی



انتقادی با اشاره به ضعف تیم رسانه‌ای دولت، وزارت خارجه را متهم کرد که «به جای فعال بودن در میدان دیپلماسی، درگیر نمایش‌های کم‌اثر است و هیچ تحرک تازهای در منطقه ندارد». در مجلس نیز انتقاده‌ها بالا گرفت. امیرحسین ثابتي، نماینده اصولگرا در تذکری علنی خطاب به عراقچی گفت: «سفرها را از بدنه کارشناس و جوان وزارت خارجه انتخاب کنید نه از میان افراد سیاسی و ردصلاحیت شده مجلس. وزارت خارجه، جای مافیای قدرت نیست». به این ترتیب، عراقچی حالا در موقعیتی ایستاده است که از دو سو زیر ضرب است؛ اصلاح‌طلبان، او را «محافظه‌کار و بی‌ابتکار» می‌خوانند و اصولگرایان «یک کارشناس ساده» و «ساکت و بی‌تحرک».

در میانه میدان؛ از برجام تا شرم‌الشیخ

پایگاه‌های تندرو اصولگرا در ماه‌های اخیر تلاش کرده‌اند، عراقچی را به عنوان «بازمانده جریان برجام» معرفی کنند؛ چهره‌ای که به زعم آنان «هنوز از سایه مذاکرات ژنو خارج نشده». در مقابل، اصلاح‌طلبان رادیکال، او را متهم می‌کنند که «از مسیر تعامل و گفت‌وگو دور شده» و سیاست خارجی را به انزوا برده است. برخی رسانه‌های نزدیک به جبهه پایداری نیز از «اعتماد بیش از اندازه عراقچی به دیپلماسی منطقه‌ای» انتقاد کرده و او را متهم کرده‌اند که «تلاش دارد، خود را تکتوکراتی بی‌طرف جلوه دهد تا هم‌زمان رضایت غرب و اصلاح‌طلبان را جلب کند».

در واقع، هر دو جناح از زاویه‌ای متفاوت به یک نتیجه مشترک رسیده‌اند: نارضایتی از عملکرد وزیر خارجه. اما ریشه این نارضایتی‌ها را باید در تغییر موقعیت عراقچی جست‌وجو کرد. او امروز دیگر معاون ظریف نیست بلکه وزیر خارجه دولتی است که تلاش دارد میان اصلاح‌طلبی و مصلحت‌گرایی نظام، تعادل برقرار کند.

در ماجرای شرم‌الشیخ، عراقچی عملاً تصمیمی اتخاذ کرد که همسو با مواضع کلان جمهوری اسلامی بود اما با گفتمان اصلاح‌طلبان هم‌پوشانی نداشت. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت هم در حاشیه جلسه روز گذشته هیأت دولت بر این نکته صحه گذاشت و با اشاره به اینکه تصمیم‌گیری در خصوص نحوه حضور و رفتار ایران در عرصه بین‌المللی صرفاً برعهده دولت نیست، گفت: «جمع‌بندی کلی بر این بود که در این اجلاس شرکت نکنیم». اکنون عباس عراقچی در شرایطی قرار گرفته که هر اظهارنظرش به تیتیر یک دو جریان متضاد تبدیل می‌شود. او از یک‌سو باید پاسخگوی فشار اصلاح‌طلبان برای بازگشت به مسیر مذاکره باشد و از سوی دیگر، اصولگرایانی را قانع کند که نسبت به هرگونه گفت‌وگو با غرب بدبین‌اند. با این حال حامیانش در دولت و نهادهای بالادستی از «خونسردی و انضباط کاری» او دفاع می‌کنند. در نهایت، آنچه از دل این جدال‌ها بیرون آمده، تصویری است از دیپلماتی که پس از ۳ دهه حضور در عرصه سیاست خارجی همچنان آرام اما مصمم حرکت می‌کند؛ چهره‌ای که حالا میان دو جبهه‌ای قرار گرفته که هر یک از او انتظار دارند، زبان آنها باشد. اما گویا عباس عراقچی، همان‌طور که در دوران برجام آموخته بود، هنوز ترجیح می‌دهد کمتر سخن بگوید و بیشتر عمل کند.

داد که ارقام اعلام شده با آنچه در قانون بودجه آمده مغایرت دارد و برای قضاوت صحیح باید مجموع ردیف‌های مختلف بودجه مورد بررسی قرار گیرد. او یادآور شد که امسال، سال انتخابات شوراهاست و بخشی از بودجه صرف مأموریت‌های نظارتی در این انتخابات می‌شود. سلیمی همچنین به هزینه‌های پروژه‌های نیمه‌تمام ساخت ساختمان‌ها و دفاتر نمایندگان اشاره کرد که از دوره‌های گذشته به سال جاری منتقل شده و بخش قابل توجهی از بودجه را به خود اختصاص داده است.

بیان این تذکرات و واکنش‌ها در مجلس، بازتابی از فشار فزاینده برای شفافیت بیشتر در قوه مقننه است. اگرچه در این مناظرات، نمایندگان و هیأت رئیسه تلاش کردند مشروعیت هزینه‌ها را توضیح دهند اما آنچه از گزارش و واکنش‌ها برمی‌آید این است که عدم ارائه گزارش عملکرد دقیق و تفکیکی، بزرگ‌ترین نقطه ضعف موجود در این بحث است و تا زمانی که مجلس نتواند با تفکیک ردیف‌ها، انتشار شفاف گزارش‌ها و توضیح کامل هزینه‌ها، افکار عمومی را قانع کند چنین تذکراتی تکرار خواهد شد.

سایه جنگ در شرق

افغانستان و پاکستان در آستانه جنگ تمام عیار

گروه بین الملل: در حالی که مرزهای افغانستان و پاکستان بار دیگر صحنه تبادل آتش و درگیری‌های خونین شده، دو کشور یکدیگر را به آغاز حملات متهم می‌کنند. منابع نظامی پاکستان اعلام کردند که در واکنش به هدف قرار گرفتن مناطق مسکونی در منطقه مرزی «معر تشمن»، حمله‌ای متقابل علیه مواضع طالبان انجام داده‌اند. ارتش این کشور مدعی شد در این عملیات بین ۱۲ تا ۱۵ فرد مسلح طالبان کشته شده‌اند.

به گزارش الجزیره، ارتش پاکستان همچنین از کشته شدن دست کم ۲۵ تا ۳۵ فرد مسلح دیگر خبر داد که قصد داشتند به یک پایگاه نظامی در منطقه «گرام» حمله کنند. در بیانیه ارتش آمده است: «نیروهای ما در پاسخ به حملات از سمت خاک افغانستان ۶ تانک متعلق به ارتش طالبان را منهدم کرده‌اند». در مقابل، رسانه‌های افغانستان گزارش داده‌اند که نیروهای پاکستانی در ولسوالی سپین‌بولدک ولایت فندهار، یک خانه مسکونی را هدف قرار داده‌اند. شبکه طلوع‌نیوز مدعی شده است که در این خانه کودکانی نیز حضور داشتند که اکنون به بیمارستان منتقل شده‌اند.

این تازه‌ترین دور از درگیری‌های مرزی میان دو همسایه است که پس از تسلط طالبان بر کابل در سال ۲۰۲۱ شدت یافته

است. وزارت امور خارجه پاکستان در بیانیه‌ای اعلام کرد که اسلام‌آباد همچنان به «گفت‌وگو، دیپلماسی و روابط سودمند متقابل با افغانستان» پایبند است و مبارزه با تروریسم را «هدف مشترک دو کشور» دانست. با این حال در همان بیانیه تأکید شده که پاکستان «تمام اقدامات لازم برای حفاظت از جان شهروندان و تمامیت ارضی خود را انجام خواهد داد». از سوی دیگر در واکنش به این تحولات، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور ایالات متحده مدعی شد که آماده است برای پایان دادن به بحران میان پاکستان و افغانستان میانجی‌گری کند. او گفت: «این هشتمین جنگی خواهد بود که حلش می‌کنم. شنیده‌ام اکنون میان پاکستان و افغانستان، جنگی در جریان است و می‌دانم چگونه می‌توان آن را متوقف کرد». تحلیل‌گران اما بر این باورند که حمله اخیر هوایی پاکستان به کابل نه‌تنها در کاهش تنش‌ها بی‌اثر بوده بلکه پیامدهای سیاسی و امنیتی گسترده‌ای برای اسلام‌آباد به همراه داشته است. نخستین پیامد این اقدام، آشکار شدن ضعف اطلاعاتی ارتش پاکستان عنوان شده است. برخی ناظران می‌گویند اسلام‌آباد با اطلاعات نادرست، عملیاتی پرهزینه را طراحی کرد که نتیجه‌ای جز تخریب وجهه ارتش نداشت.

دومین پیامد، تضعیف روایت پاکستان در خصوص حضور رهبران تحریک طالبان پاکستان (TTP) در خاک افغانستان است. اسلام‌آباد سال‌هاست ادعا می‌کند که رهبران این گروه در افغانستان پنهان شده‌اند اما ناکامی در هدف قرار دادن «نورولی محسود» رهبر TTP به گفته تحلیل‌گران، اعتبار این ادعا را زیر سؤال برده است. افزون بر این، زمان اجرای حمله نیز به‌گونه‌ای انتخاب شد که از منظر دیپلماتیک پرسش‌برانگیز است؛ زیرا همزمان با سفر رسمی امیرخسان متقی، وزیر خارجه طالبان به هند انجام گرفت. بسیاری این اقدام را پیامی هشدارآمیز از سوی پاکستان به کابل به‌دلیل نزدیکی اخیر روابط طالبان با دهلی‌نو تلقی کرده‌اند. به باور کارشناسان، حمله به کابل برای نخستین‌بار در تاریخ روابط دو کشور، گامی



خطرناک و بی‌سابقه است که می‌تواند مسیر روابط افغانستان و پاکستان را وارد مرحله‌ای تازه کند. این اقدام به گفته ناظران، افکار عمومی افغانستان را علیه پاکستان برانگیخته و بر تمایل طالبان برای گسترش روابط با هند افزوده است. در عین حال احتمال می‌رود، جناح‌های ضدپاکستانی در درون حکومت طالبان نیز از این پس موضعی تهاجمی‌تر اتخاذ کنند؛ امری که می‌تواند به افزایش حمایت از گروه‌های مخالف در داخل خاک پاکستان بینجامد. در حالی که دو کشور از لزوم «همکاری در مبارزه با تروریسم» سخن می‌گویند، واقعیت میدانی حاکی از دور شدن کابل و اسلام‌آباد از مسیر تفاهم است. با ادامه این وضعیت، نگرانی‌ها از گسترش یک بحران منطقه‌ای تازه بیش از هر زمان دیگری جدی به نظر می‌رسد.

ترجمه

اولویت‌های ترامپ

سیاست‌های خارجی آمریکا مشخص شد

«استیو ویتکاف» نماینده «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در امور غرب آسیا و مذاکره‌کننده ارشد او، پایان دادن به جنگ غزه و جنگ اوکراین همچنین دستیابی به توافقی جدید با ایران درباره برنامه هسته‌ای آن را اولویت‌های دولت دوم ترامپ برشمرد. نشریه پالیتیکو به نقل از یک منبع نزدیک به تیم امنیت ملی ترامپ نوشت: ویتکاف به همتایان خارجی گفته است که سه اولویت اصلی سیاست خارجی رئیس‌جمهور(ترامپ) پایان دادن به جنگ غزه، پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین و دستیابی به یک توافق هسته‌ای جدید با ایران است. به گفته این منبع مطلع، تیم ترامپ تأیید کرده است که پایان دادن به جنگ غزه «آسان‌ترین» مورد در میان این سه هدف خواهد بود اما آنها قرار نیست از اهداف دیگر «صرف‌نظر کنند» و معتقدند که «موفقیت موجب رقم زدن موفقیت‌های دیگر می‌شود». این اظهارات در پی توافقی جنبش حماس و رژیم صهیونیستی بر سر طرح صلح ترامپ برای آتش‌بس در غزه مطرح شده است. رئیس‌جمهور آمریکا دوشنبه ۱۳ اکتبر با سخنرانی در پارلمان رژیم صهیونیستی، پایان جنگ غزه را اعلام کرد. طبق این توافق، نظامیان صهیونیست تا حدود معینی از نوار غزه خارج شدند، اسرای اسرائیلی نزد جنبش حماس در غزه با زندانیان فلسطینی در زندان‌های رژیم صهیونیستی مبادله شدند و کمک‌های انسانی در غزه که در محاصره انسانی قرار داشت از سر گرفته شد. دونالد ترامپ همچنین در سفر اخیرش به غرب آسیا مدعی شد که آماده صلح با ایران است و «جرد کوشتر» داماد خود را مسئول دستیابی به توافق صلح با ایران کرده است. این در حالی است که «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران با اشاره به حملات متجاوزانه آمریکا به تأسیسات اتمی ایران در ماه ژوئن در واکنش به این اظهارات ترامپ گفت: این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان انتظار داشت، ملت ایران شش‌ه زیتون (صلح) از سوی کسی را بآورد کند که همین ۴ ماه پیش در بمباران خانه‌ها و مناطق شهری در سراسر ایران دست داشته است. وزیر خارجه تصریح کرد: آن حملات جنایت‌کارانه جان بیش از هزار ایرانی از جمله زنان و کودکان را گرفت. به سختی می‌توان کسی را رئیس‌جمهور صلح‌ناמיד در حالی که به جنگ‌های بی‌پایان دامن می‌زند و در کنار جنایت‌کاران جنگی می‌ایستد. آقای ترامپ یا می‌تواند رئیس‌جمهور صلح‌باشد یا رئیس‌جمهور جنگ؛ نمی‌تواند همزمان هر دو باشد.



از برجام خارج شد، جهان بار دیگر وارد عصر جدیدی از بی‌اعتمادی شد. او بعدها در کنست اسرائیل از این تصمیم دفاع کرد و آن را «مایه افتخار» خود دانست. بنیامین نتانیاهو نیز در کنار او با لحن پیروزمندانه‌ای گفت: «از ترامپ بابت سه اقدام تشکر می‌کنم؛ ترور قاسم سلیمانی، خروج از برجام و حمایت از عملیات چکش نیمه‌شب». عبارت «چکش نیمه‌شب» اشاره‌ای بود به حملات هوایی پنهان علیه تأسیسات هسته‌ای ایران. در پس این کلمات، سبایه‌ای از واقعیت تلخ دیده می‌شد: توافقی که قرار بود، راه دیپلماسی را هموار کند حالا به ابزاری برای توجیه تقابل‌های نظامی تبدیل شده بود.

توافقی در میان آتش و امید

برجام در ذات خود، تلاشی بود برای پایان دادن به دهه‌ها بی‌اعتمادی. اما همان بی‌اعتمادی، به‌صورت خط‌وطی در متن آن باقی ماند؛ خط‌وطی که بعدها مسیر بازگشت به بحران را هموار کرد. در هر توافقی که میان دشمنان دیرینه امضا می‌شود، بندهایی وجود دارد که به‌جای اعتماد

بر پایه بیم و احتیاط نوشته می‌شوند. اکنون ۱۰ سال پس از امضای توافق، بار دیگر جهان در برابر این پرسش ایستاده است: آیا برجام هنوز زنده است یا تنها سبایه‌ای از آن باقی مانده؟

پایان باز

امروز که نام مکانیسم ماشه دوباره در تیرها تکرار می‌شود، کمتر کسی به یاد دارد که ابتدا قرار بسود این بند، راهی برای «حل اختلاف» باشد نه آغاز دوباره تحریم‌ها. در این میان، روایت‌ها همچنان در تضادند: لا‌وروف از «دام غربی» سخن می‌گوید، شمرن از «ابتکار روسی» و عراقچی از «باطل بودن ادعای بازگشت تحریم‌ها». اما شاید حقیقت در میانه این خطوط پنهان باشد؛ جایی میان اطمینان و تردید، امید و واقعیت. و شاید درست در همین جاست که باید پرسید «دام حقوقی» برجام، ساخته ایران بود یا غرب و یا روسیه؟ شاید پاسخ به آن دشوار باشد اما برجام نه تنها توافقی میان دولت‌ها بلکه آینده‌ای از اعتماد و بی‌اعتمادی بشر بود. توافقی که در آن حتی یک بند حقوقی می‌تواند، سرنوشت ملت‌ها را تغییر دهد.

ملل، نمایندگان آمریکا و اروپا از «لزوم واکنش به رفتار ایران» سخن می‌گویند و روسیه و چین طبق انتظار، خواستار گفت‌وگو و خویشتنداری هستند. در تهران، رسانه‌ها میان دو روایت در نوسان‌اند: روایت لا‌وروف از «دام حقوقی غرب» و روایت شمرن از «طرح روسی مکانیسم ماشه». تحلیل‌گران می‌گویند این دو روایت هر دو بخشی از واقعیت را بیان می‌کنند. برجام، محصول مصالحه‌ای بود که همه می‌خواستند در آن چیزی



به‌دست آورند و در عین حال از دست ندهند. برای غرب، مکانیسم ماشه اطمینان‌بخشی‌ای بود که ایران نمی‌تواند از کنترل خارج شود؛ و برای ایران، تضمینی بود که اگر دیگران عهدشکنی کنند، مسیر قانونی برای پاسخ وجود دارد. اما تاریخ نشان داد که این بند، مانند شمشیری دولبه، به سوی هر دو طرف برگشت.

پشت صحنه یک تصمیم

در اتاق‌های مذاکرات وین هر واژه با ساعت‌ها گفت‌وگو متولد می‌شد. دیپلمات‌های ایرانی از محدود شدن حقوق کشور بیم داشتند، درحالی که نمایندگان غربی به دنبال سازوکاری بودند که در صورت بروز بحران، بتوانند بدون اجماع جهانی واکنش نشان دهند. در نهایت، طرح لا‌وروف یا شاید همان طرح مشترک تیم‌ها، تعادلی شکننده میان این دو هدف ایجاد کرد. هیچ‌کس نمی‌دانست ۱۰ سال بعد، همان سازوکار چگونه علیه ایران فعال خواهد شد.

طنین تصمیم‌ها

وقتی دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ با امضای یک فرمان

ادامه از صفحه یک

مخترع اسنپ بک

بند ۳۶: قلب پنهان توافق

پاسخ این پرسش را باید در بند ۳۶ برجام جست‌وجو کرد؛ بندی که در ظاهر، تنها سازوکاری برای حل اختلافات بود اما در عمل به کلید بازگشت تحریم‌ها تبدیل شد. این بند مقرر می‌کند که هر یک از طرف‌ها، ایران یا اعضای ۵+۱ اگر معتقد باشند طرف مقابل به تعهداتش پایبند نبوده، می‌تواند موضوع را به کمیسیون مشترک ارجاع دهد. در صورت عدم توافق، پرونده به سطح وزیران خارجه می‌رسد و در نهایت هر کشور می‌تواند، موضوع را به شورای امنیت ببرد. همان جا که یک «وتو» کافی است تا همه چیز از نو آغاز شود. ایران پس از خروج آمریکا از توافق در سال ۲۰۱۸ یک سال صبر کرد. سپس در اردیبهشت ۱۳۹۸ در واکنش به عدم پایبندی اروپا ۵ گام کاهش تعهدات برجامی را آغاز کرد. گام‌هایی که هر کدام نشانه‌ای از بازگشت تدریجی تهران به همان نقطه آغازین بود. در آن زمان، شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد این اقدام‌ها در چارچوب برجام و بر اساس همان بند ۳۶ انجام می‌شود. اما امروز، غرب همان بند را علیه ایران به کار گرفته است.

مسیر پر پیچ تصمیم‌ها

برجام در تابستان ۲۰۱۵ در وین امضا شد. هوای گرم و خسته‌کننده آن روزها در حافظه دیپلمات‌های ایرانی و غربی مانده است؛ روزهایی که ساعت‌ها گفت‌وگو گاهی به یک جمله ختم می‌شد. وقتی قلم‌ها بر کاغذ نشست و عکس تاریخی گرفته شد، ظریف لبخند می‌زد. جان کری، شمرن، لا‌وروف و موگرینی هر یک با نگاه‌هایی آمیخته به رضایت و تردید به هم می‌نگریستند. کسی نمی‌دانست ۷ سال بعد همان بندهای ظاهراً خشک و حقوقی به تیغه‌ای دو لبه تبدیل خواهند شد. در آن روزها، کمتر کسی به پیچیدگی واژه‌ها در ضمایم حقوقی توجه می‌کرد. اما حالا همان کلمات، سرنوشت سیاست خارجی کشورها را تعیین می‌کنند.

بازگشت سایه‌ها

در ماه‌های اخیر با فعال شدن مکانیسم ماشه، دوباره قطعه‌نامه‌های پیش از برجام به صحنه بازگشته‌اند. در سازمان

گزارش نشر

قدرت ادبیات

نمایشگاه کتاب فرانکفورت شروع به کار کرد



نمایشگاه کتاب فرانکفورت ۲۰۲۵ از چهارشنبه کار خود را با شرکت ۴ هزار ناشر از ۹۰ کشور جهان شروع کرده و قرار است تا ۱۹ اکتبر (۲۷ مهر) ادامه داشته باشد. این نمایشگاه به عنوان بزرگ‌ترین رویداد بین‌المللی صنعت نشر، پذیرای ناشران، نویسندگان، مترجمان، ناشران دیجیتال و علاقه‌مندان به کتاب از سراسر جهان است و طبق رسم هر سال که یک کشور مهمان افتخاری است، فیلیپین به عنوان مهمان ویژه در نمایشگاه حضور دارد که غرفه این کشور سعی کرده، آثار ادبی و فرهنگی خود را همراه برنامه‌های ادبی برگزار کند. این نمایشگاه سالانه پس از دو روز ویژه برنامه‌های حرفه‌ای صنعت نشر از روز جمعه به روی عموم باز می‌شود و انتظار می‌رود تا روز یک‌شنبه بیش از ۲۰۰ هزار بازدیدکننده داشته باشد.

امسال مسئولان آلمان، برنامه‌های متنوعی برای نمایشگاه کتاب فرانکفورت برنامه‌ریزی کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به سخنرانی‌های نویسندگان مطرحی چون ماجا لوندا، لیا پیی، کامیل داوود، تاد تامسون و دیگران اشاره کرد. این برنامه‌ها فرصتی برای ملاقات با نویسندگان و آشنایی با آثار جدید آن‌ها فراهم می‌آورد. لاسلو کراسناهورکایی، نویسندهٔ مجارستانی و برندهٔ نوبل ادبیات ۲۰۲۵ قرار بود یکی از سخنرانان مراسم افتتاحیه باشد اما به دلیل مشکلات جسمی ناچار شد در آخرین لحظه حضور خود را لغو کند. به‌جای او، نورا حداده، نویسندهٔ آلمانی و خالق رمان «چنین اندوه شیرینی» در نشست خبری افتتاحیه سخنرانی کرد. او گفت، ادبیات می‌تواند همچون سلاحی برای مقابله با روندهای منفی جهان امروز از جمله تغییرات اقلیمی، تهدید جنگ و شکنندگی نظام مالی عمل کند. نمایشگاه کتاب فرانکفورت اعلام کرد که شماری از نویسندگان در اعتراض به موضع دولت آلمان در قبال درگیری غزه، حضور خود را لغو کرده‌اند. کارین اسمیت-فریدریشس، رئیس انجمن ناشران و کتاب‌فروشان آلمان در سخنرانی خود گفت: «این رویداد می‌تواند، الگویی برای همزیستی عادلانه میان انسان‌ها باشد.»

او که به‌زودی سمت خود را ترک می‌کند، از فرصت سخنرانی برای هشدار دربارهٔ تهدیدهای ناشی از هوش مصنوعی بر نظام‌های دموکراتیک استفاده کرد و گفت: «جامعه دموکراتیک ما به‌تدریج در حال تضعیف شدن است، به‌ویژه به‌دلیل هوش مصنوعی که در اختیار الیگارش‌های دیجیتال و غیرمسئول قرار گرفته است.» ناشران مختلف از کشورهای گوناگون در غرفه‌های جمعی (Collective Stands) حضور دارند تا آثار خود را معرفی کنند. غرفه‌های جمعی آلمان به صورت ویژه در نمایشگاه‌ها و رویدادهای بین‌المللی حضور دارند و امکان معرفی ناشران و کتاب‌های آلمانی به مخاطبان خارجی را فراهم می‌کنند. این غرفه‌ها همچنین اطلاعاتی درباره ترندها و موضوعات فعلی صنعت کتاب به زبان آلمانی ارائه می‌دهند.

نمایشگاه فرانکفورت علاوه بر رویداد اصلی در آلمان، برنامه‌های بین‌المللی متعددی دارد، از جمله حضور در نمایشگاه‌های جهانی و برگزاری نمایشگاه‌های پاپ‌آپ

(Pop-Up Exhibitions) که به معرفی زبان و ادبیات آلمانی می‌پردازد. این برنامه‌ها فرصت آشنایی با نویسندگان آلمانی‌زبان و تبادل فرهنگی بین کشورها را فراهم می‌کند. امسال پیش از آغاز نمایشگاه کتاب فرانکفورت، جایزهٔ کتاب آلمان (German Book Prize) مراسم اعطای جوایز خود را در محل این نمایشگاه برگزار کرد که دورتی المیگر به خاطر نوشتن رمان «زنان هلندی» (Die Holländerin- nen) توانست این جایزه را کسب کند. هیأت داوران ۲۰ رمان را برای فهرست اولیه این جایزه انتخاب کرده بودند. از دیگر برنامه‌های این رویداد، اعلام جایزه زیباترین کتاب‌های آلمانی و بهترین کتاب‌های ادبیات کودک و نوجوان بود که مجموعه‌ای از آثار منتشر شده توسط ناشران آلمانی برای کودکان و نوجوانان که فرصت‌های خرید حقوق نشر و ترجمه را فراهم می‌کند.

یورگن بوس، رئیس نمایشگاه فرانکفورت در مراسم افتتاحیه طی سخنانی، موضوع محوری امسال نمایشگاه را مبادله حقوق ترجمه و نشر بین‌المللی، تکنولوژی در نشر، فرهنگ عمومی و سرگرمی‌های مرتبط با کتاب عنوان کرد و گفت امیدوار است این شعار در سال‌های آینده نیز ادامه داشته باشد. او با تأکید بر نقش ادبیات در ایجاد ارتباط بین مردم، گفت: «نمایشگاه فرانکفورت نشان می‌دهد ادبیات چه کاری می‌تواند، انجام دهد: مردم را به هم متصل می‌کند، تضادها را تحمل می‌کند و دیدگاه‌های جدیدی آشکار می‌سازد.» او با اشاره به حقوق نشر و مبادلات بین‌المللی از حضور ۵ هزار ناشر چینی و ارائه آثاری از ادبیات این کشور به زبان‌های مختلف خبر داد. انتشارات پنگوئن نیز امسال بر ارائه کتاب‌های اسپانیایی زبان متمرکز شده است.

به گفتهٔ بوس برنامه‌های مرتبط با تکنولوژی نشر، فرمت‌های جدید (صوتی، دیجیتال) و بحث‌هایی در مورد تاثیر هوش مصنوعی در حوزه کتاب نیز از جمله موضوعات محوری دیگر نمایشگاه امسال هستند. او گفت: «ناشران و صنعت نشر باید فراتر از مرزهای زبانی و فرهنگی فکر کنند و این‌که نمایشگاه نه صرفاً محل فروش کتاب بلکه محلی برای تبادل فرهنگی و فکری است. نمایشگاه امسال علاوه بر نسخه‌های چاپی کتاب به مدیاهای نو مانند کتاب صوتی، دیجیتال و حقوق نشر بین‌المللی نیز توجه ویژه دارد. نشر کتاب بیش از هر زمان دیگری نیاز دارد به «ارتباط فرامرزی» و «ترجمه» تا صدای متفاوت را بشنود و نظام نشر را در سطح جهانی تقویت کند. روندها نشان می‌دهند که بازار نشر به سمت فرمت‌های متنوع‌تر می‌رود (کتاب صوتی، دیجیتال، حقوق ترجمه، استفاده از هوش مصنوعی) بنابراین ناشران باید آماده باشند تا این تحولات را بپذیرند.»

در حاشیه مراسم افتتاح، رویدادهای جانبی چون «شبکه‌سازی» میان ناشران، جلسات تخصصی درباره هوش مصنوعی و نشر و مذاکرات حقوق ترجمه آغاز شدند. حضور میهمان ویژه فیلیپین به‌معنای تأکید بیشتر بر ادبیات و فرهنگ کشورهایی است که شاید در انتشار بین‌المللی کمتر دیده شده بودند و فرصتی برای دیده شدن آن‌ها فراهم می‌آورد.

از عشق و درد

رضا یحیایی نقاش، سفال‌گر و مجسمه‌ساز برجسته بابلی درگذشت

رضا یحیایی، نقاش، سفال‌گر و مجسمه‌ساز بابلی که در پنج دههٔ اخیر آثار متعددی از او در کشورهای مختلف به نمایش درآمده در ۷۷ سالگی درگذشت.

یحیایی در گونه‌های مختلف هنر تصویری و تجسمی با استفاده از مواد و اسلوب‌های گوناگون به بیان مضامین اساطیری، ادبی و عرفانی پرداخته است. در آثار او «زن» و «مکعب» نقش‌مایه‌های اصلی‌اند و غالباً در پیوند با هم ظاهر می‌شوند و در این خصوص گفته: «مکعب، اطمینان‌بخش انسان در نیاز او به منطق و عقلانیت است. همهٔ قدرت‌های ماده را در خود جمع کرده و بنیاد و بذر آن است.» از این رو، مکعب‌ها را با نقش‌ش زنان در حیات همانند می‌داند. از آثار شاخص او می‌توان به تندیس شقایق در باغ-موزهٔ شخصی فرانسین هاینریش در فرانسه و مجسمهٔ «گنبد آسمان» برج میلاد (که روایت‌گر تاریخ ۹ هزار سالهٔ فرهنگ ایران زمین است) اشاره کرد. از اثر «گنبد آسمان» او که ۶۲۰ متر مربع مساحت و ۱۹ تُن وزن دارد به عنوان تنها پیکرهٔ داستان‌گو یاد می‌شود. تندیس برنزی زندیاد الن ووسالو و درنای «امید» نیز یکی از آثار او در قالب «مجموعه مجسمه‌های مشاهیر برج ادیما» در شهرستان نور است که یحیایی ساخت آن را با پیشنهاد تورج ناییج‌پور، رئیس اسبق سازمان نظام مهندسی مازندران و یکی از حامیان حوزهٔ فرهنگ و هنر آغاز کرد و دی ۱۴۰۳ رونمایی شد.

بابلی در فلورانس

رضا یحیایی سال ۱۳۲۷ در بابل متولد شد. دبستان و دبیرستان را در زادگاهش به پایان برد و در ۱۳۵۰ نخستین مرکز نقاشی مدرن در بابل را به نام آتلیهٔ زرد به راه انداخت. پس از چند سال فعالیت هنری در بابل، سال ۱۳۵۱ به فلورانس ایتالیا رفت. او دربارهٔ علت انتخاب ایتالیا گفته بود: «در کارهای من عشق به زن و مادر خیلی حضور دارد. در واقع من به دلیل انتخاب اومانیسزم به ایتالیا رفتم. می‌خواستم انسان را مورد بررسی قرار بدهم و بشناسانم. همین کاری

گزارش

نسل طلایی به‌شماره افتاد

سعید مظفری دوبلور کلینت ایستوود درگذشت

سعید مظفری، دوبلسور و مدیر دوبلاژ در سن ۸۳ سالگی درگذشت. او هم یکی از بازماندگان نسل طلایی دوبله بود که در جوانی با اساتید دوبله مانند چنگیز جلیلود، منوچهر اسماعیلی، بهرام زند و ... همراه شد و از آنان آموخت و خود تبدیل به یکی از اساتید دوبله شد. با اینکه در این سال‌های اخیر حال و روز خوشی نداشت و دیگر هم‌راهان همیشگی‌اش کنارش نبودند اما همچنان در استودیوهای دوبله به کار خود ادامه می‌داد و کار می‌کرد. او یکی از پرکارترین دوبلورهای ایرانی بود و کارنامه بلند و بالایی دارد. مردم او را با صدای ریزو، همسر اوشین در سریال «سال‌های دور از خانه» به یاد می‌آوردند اما دوبلور کلینت ایستوود در فیلم‌های «خوب، بد، زشت» و «به خاطر یک مشت دلار»، «به خاطر چند دلار بیشتر»، «دمین توماس (در نقش زید) در فیلم «محمد رسول‌الله» همچنین صدای ریک گرایمز در سریال «مردگان متحرک» و راگنار لودبروک در سریال «وایکینگ‌ها» و ... بود.

او دوبلور کلینت ایستوود در «قلعه عقاب‌ها»، «هری کثیف»، «قدرت مگنسوم» و ... رایسان اونیل در «قصه‌ی عشق»، «ماه کاغذی»، «بری لیندون» و «راننده» و ... تونی کرتیس در «تاراس بولبا»، «بویینگ بویینگ»، «مسابقه بزرگ» و ... الک گینس در «پل رودخانه کوای»، برد پیست در «روزی روزگاری در هالیوود»، «حرام‌زاده‌های بی‌شرف»، «مسود عجیب بنجامین باتن»، «اوشن»‌ها و ... کریستوفر واکن در «پالپ فیکشن»، رابرت ردفورد در «این ملک متروک شده»، گریگوری پک در «غزال»، متیو مک‌کانهی در «لینترستلار»، راسل کرو در «مرد سیندرلایی»، جیمز استیوارت در «آقای اسمیت به‌واشنگتن می‌رود» و ... بود.

کارش را از سال‌های ابتدایی دهه ۴۰ آغاز کرد و اولین نقش کوتاهی که گفت در فیلم «معجزه» با بازی راجر مور بود. در سال

که همچنان در حال انجام آن هستیم. ولی در نظر داشته باشید در کارهای من از نظر آن‌ها انسان واقعی به عنوان انسان عکاسی وجود ندارد. این‌ها همه ذهنی هستند، در این‌ها تالو طبیعت زیاد است.» نخست در هنرکدهٔ میکلائو این شهر آموزش دید سپس در آکادمی هنرهای زیبای فلورانس در رشتهٔ نقاشی مشغول به تحصیل شد. در همین دانشگاه به آموختن معماری داخلی همت گمارد و در رشتهٔ سرمایهک نیز درجهٔ فوق تخصص دریافت کرد. دوره‌های تکمیلی مجسمه‌سازی و سنگ‌تراشی را در آکادمی کرارا ایتالیا سپری کرد. بعدتر دورهٔ دکترای هنر را در دانشگاه سوربن (پاریس ۱) سپری کرد و رسالهٔ خود را با عنوان «زبان مجسمه، زبان فیگور، زبان جان» ارائه داد. او در آکادمی هنرهای زیبای فلورانس و مدرسهٔ هنر اسپینلی به تدریس پرداخت. پس از بازگشت به ایران از ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۳ معاون دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه جندی شاپور و پس از آن مدیر گروه مرمت موزهٔ ایران باستان بود.

سال ۱۳۵۲ یحیایی نخستین‌بار آثار مجسمه و نقاشی خود را



۱۳۴۳ برای اولین بار صدای کلینت ایستوود در فیلم «به خاطر یک مشت دلار» را دوبله کرد. آنقدر صدایش روی این شخصیت به خوبی نشست که در «به خاطر چند دلار بیشتر» و «خوب، بد، زشت» را هم به جای این بازیگر صحبت کرد و دیگر صدایش با ایستوود جوان عجین شد. نامش به عنوان دوبلور در بیش از ۱۵۰





گیبسون مسیح تازه را پیدا کرد

رستاخیز مسیح در قالب دو فیلم ساخته می‌شود

در چینه‌چیتا فیلمبرداری کرد که با فروش جهانی ۶۱۰ میلیون دلاری به یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های مستقل تمام دوران بدل شد. دکور این فیلم درست مانند فیلم اصلی در شهر باستانی ماترا در جنوب ایتالیا ساخته خواهد شد. در این شهر مل گیبسون با استقبال الساندرو جولی، وزیر فرهنگ ایتالیا روبه‌رو شد. جولی که عضو دولت راست‌گرای ایتالیاست به خبرنگاران ایتالیایی گفت که با گیبسون، که یکی از ۳ سفیر ویژه ترامپ در هالیوود است، برای گرفتن «یک عکس یادگاری خوب در حال دست دادن» همچنین تبادل تعارفات معمول، ملاقات کرده است.

ماترا منطقه‌ای است که گیبسون سال ۲۰۰۴ بخش عمده‌ای از فیلم «مصابب مسیح» را آنجا فیلمبرداری کرد. این منطقه جزو میراث جهانی یونسکو است و برای غارهای سفیدکاری شده ماقبل تاریخی‌اش شهرت دارد. در سال‌های اخیر چندین محصول بزرگ هالیوودی از جمله بخش‌هایی از «زمانی برای مردن نیست» بیست‌وپنجمین فیلم جیمز باند، بازسازی «بن هور» محصول ۲۰۱۶ و «زن شگفت‌انگیز» محصول بردان وارنر در این مکان ساخته شدند.

گیبسون همچنین در حال بررسی سایر مکان‌های روستایی باستانی جنوب ایتالیاست که جینوسا با کلیساهای تراشیده شده در سنگ، گراوینا لاترزا و آلتامورا از جمله آنها هستند. ماریلا گاریگا، بازیگر کوبایی که بازیگر فیلم «ماموریت غیرممکن» بود در این فیلم نقش ماری را ایفا می‌کند و جایگزین مونیکا بلوچی در فیلم اصلی شده است. کاسیا اسموتنیاک، بازیگر لهستانی فیلم «دومینا» نیز جایگزین مایا مورگسترن و ایفاگر نقش مریم می‌شود. پیر لوییچی پاسینو، بازیگر ایتالیایی «قانون طبق گفته لیدیبا پونت» محصول تفلیکس ایتالیا، نقش پیتر را بازی می‌کند. و ریکاردو اسکامارچیو، بازیگر ایتالیایی که بازیگر «مودی» جانی دب بود در نقش پوتیوس پیلاطس جلوی دوربین می‌رود. روبرت اورت، بازیگر بریتانیایی هم نقشی کوچک اما مهم در فیلم دارد. اوایل امسال کاوزیل ۵۷ ساله گفته بود، آماده است تا این نقش تعیین‌کننده در کارنامه حرفه‌ای‌اش را در دنباله فیلم تکرار کند اما در نهایت او تونن که ۳۶ ساله است و بیشتر برای ایفای نقش یک جنگجوی دانمارکی در فصل پنجم «آخرین پادشاهی» تفلیکس شناخته می‌شود، جایگزین وی شد.

«رستاخیز مسیح» توسط گیبسون، بروس دیوی و شرکت «آیکون پروداکشنز» و با همراهی استودیو لاینزکیت تهیه می‌شود. در فیلم اصلی ۱۲ ساعت پایانی قبل از مصلوب شدن عیسی مسیح تصویر شده بود و فیلم از زبان‌های آرامی، عبری و لاتین بهره گرفته بود تا به شکلی دقیق‌تر این تجربه تاریخی را روی پرده ببرد. گیبسون درباره ادامه فیلم از فیلمنامه‌ای که توسط خودش و زندال والاس، فیلمنامه‌نویس «شجاع دل» نوشته شده، تعریف کرده است. تاریخ اکران این فیلم برای دو سال آینده در نظر گرفته شده است. «رستاخیز مسیح: بخش اول» ۲۶ مارس ۲۰۲۷ روی پرده می‌رود و «بخش دوم» ۴۰ روز بعد در روز عروج که ۶ ماه مه است، اکران می‌شود.

این دو فیلم علاوه بر استودیو چینه‌چیتا در شهر باستانی ماترا در جنوب ایتالیا فیلمبرداری خواهند شد. دیگر مکان‌های روستایی باستانی جنوب ایتالیا از جمله جینوسا، گراوینا لاترزا و آلتامورا نیز احتمالاً از لوکیشن‌های فیلم هستند.

«رستاخیز مسیح» مل گیبسون با بازی یک عیسی و مریم مجدلیه جدید ساخته می‌شود که یاکو اوتونن و ماریلا گاریگا، بازیگران این نقش‌ها خواهند بود. «رستاخیز مسیح» که ۳ روز پس از مصلوب شدن مسیح را تصویر می‌کند در قالب دو فیلم ساخته خواهد شد و هر دو بخش در سال ۲۰۲۷ و در روزهای مذهبی اکران می‌شوند.

فیلم «رستاخیز مسیح» مل گیبسون، که دنباله فیلم «مصابب مسیح» محصول ۲۰۰۴ است و ساخت آن بارها به تعویق افتاد، اکنون با بازی یاکو اوتونن، بازیگر فنلاندی در نقش عیسی ساخته می‌شود. او جایگزین ستاره فیلم اصلی یعنی جیم کاوزیل شده است.

هفته پیش خبر غافلگیرکننده‌ای درباره دنباله «مصابب مسیح» مل گیبسون منتشر شده مبنی بر اینکه جیم کاوزیل در این پروژه حضور نخواهد داشت و گیبسون به دنبال یک عیسی جدید است! یک منبع آگاه از این پروژه به نیویورک پست گفته، گروه سازنده در حال حاضر در رم در حال ملاقات با بازیگران دیگر هستند. منبع دیگری گفت از آنجا که باید کار دیجیتال زیادی روی بازیگر اصلی انجام می‌شد، آنها در پی یافتن بازیگر جدید برآمدند. کاوزیل ۵۷ ساله قرار بود برای به تصویر کشیدن عیسی در سن ۳۳ سالگی، جوان‌سازی دیجیتالی شود. دنباله فیلم درست پس از پایان فیلم اصلی که ۲۱ سال پیش اکران شد، اتفاق می‌افتد و این امر نشان می‌دهد پر کردن این فاصله سخت بود. همین چند ماه پیش، گیبسون هیچ نگرانی از اینکه کاوزیل از فیلم اول ۲۰ سال پیرتر شده، نداشت و گفته بود: من راهایی برای کنار آمدن با این موضوع دارم چون می‌دانید ۲۰ سال گذشته ولی از نظر داستان ۳ روز گذشته بنابراین مشکلات خاص خودش را دارد که فکر می‌کنم، بتوانم آنها را حل کنم.

برای ایفای این نقش و آماده شدن برای آن، کاوزیل روزه می‌گرفت، دعا می‌خواند و به فکر دریافت عشاء ربانی روزانه در حین فیلمبرداری بود. او همچنین در حال خواندن «نامه‌های پیچ‌دار» بود، کاوش طنزآمیز لوییس درباره جنگ معنوی از دیدگاه یک دیو ارشد که یک دیو جوان‌تر را راهنمایی می‌کند. کاوزیل گفته بود که این کتاب به او کمک کرد تا تأثیر ظریف شر را درک کند و بتواند تصویری عمیق‌تر ارائه کند. او گفت: من گوسفند نیستم. گرگی بودم که تغییر کرده است. اما در نهایت گیبسون تصمیم گرفت، چهره‌ای تازه را جایگزین او کند. گفته شده از آنجا که جوان‌سازی بازیگران به صورت دیجیتالی کار سخت و پرهزینه‌ای بود، گیبسون در نهایت تصمیم گرفت، بازیگران فیلم را تغییر دهد.

این فیلم دنباله فیلم جنگالی و بسیار موفق گیبسون در سال ۲۰۰۴ با عنوان «مصابب مسیح» است که با بودجه اندک ۳۰ میلیون دلاری ۶۱۲ میلیون دلار فروش داشت و آن را به یکی از موفق‌ترین فیلم‌های مستقل تاریخ تبدیل کرد. تا همین اواخر، این فیلم همچنین پرفروش‌ترین فیلم با درجه سنی R در تمام دوران بود. گیبسون بارها فیلمبرداری «رستاخیز» را به تعویق انداخت؛ ابتدا قرار بود این فیلم سال ۲۰۲۳ ساخته شود، بعد شد ۲۰۲۴. و اکنون ۲۰۲۵. برای ساخت دنباله فیلم پرفروش، گیبسون تقریباً دو دهه است که در حال کار است. حالا فیلمبرداری این فیلم به تازگی با تغییر بازیگران اصلی در استودیوهای چینه‌چیتا در رم شروع شد. پیش از ۲۰ سال پیش، گیبسون فیلم اصلی «مصابب مسیح» را نیز



هنرمند مازندرانی نوشته بود: «مجسمه او به دلیل درخشش، خود چون موجودی جاندار به نظر می‌آید که در برابر ما متولد می‌شود، می‌میرد و بلافاصله به زندگی بازمی‌گردد. به یقین می‌توان گفت که نبوغ در رضا وجود دارد.»

کتاب ده کیلویی

سال ۱۳۸۵ گزیده‌آثاری که این هنرمند در فاصله سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۸۳ خلق کرده در کتابی نفیس منتشر شد. او درباره این کتاب گفته: «زمانی که کتاب آخرم را خواستم چاپ کنم با خودم گفتم می‌خواهم، کتابی چاپ کنم که وزنش ۱۰ کیلو گرم باشد و با دلایلی که برای خود داشتم، کاری باشد که دیگران نتوانند آن را ببینند. گفتم این اثر می‌تواند همچون یک مجسمه چهار زبانه باشد. زیرا در این اثر، مخاطبان من فقط ایرانی‌ها نیستند. مخصوصاً فارسی را هم در آن گذاشتم که خارجی‌ها ببینند. دقت کنید در یک کار حادث باید چند جانبه باشند تا تأثیرگذار شوند. ایفل هم همین کار را کرد، آن برج یکسره فلزی را ساخت تا بگوید مرا ببینید، من هستم چون فرانسه هست. این کتاب منتشر شد تا بگویم ما نیز هستیم. در این کتاب از تن و جان صحبت می‌کنم که زمانی جزو مقدس‌ترین و با ارزش‌ترین چیزهای جامعه من بوده، چیزی که دیگر توجه به آن از میان رفته است. در فیگورهاى من لختی و برهنگی دو چیز متفاوت است. این فیگورها در واقع الهگان برهنه‌ای هستند که سر ندارند و درونی پاک‌تر از خود دارند. این‌ها اشاره‌ای هستند به همان الهگان باروری و زایش در ایران باستان.»

و با عشق به دوبله خطاب به هنرجویانش بیان می‌کرد چنین گفته بود: «مهم آن است دوبلور آنچه از قلبش بیرون می‌آید را چطور به بیننده منتقل کند. که من که در خانه فیلم را می‌بینم، حس کنم درست گفته است. تنها چیزی که در این قسمت نجات‌دهنده دوبلور است، آن است که به ژل نزدیک شود و هرچه به نقش نزدیک‌تر شود، موفق‌تر است و کارش نمود بهتری پیدا می‌کند. وگرنه بی‌اثر است». برای نسلی که به تماشای بهترین آثار سینمایی جهان می‌نشستند و آنها را برای دوبله انتخاب می‌کردند، سخت و دشوار بود که در این سال‌های اخیر به دوبله سریال‌های کره‌ای بنشیند اما عشق و علاقه به کار، مانع از این می‌شد که آنها کار خود را رها کنند و به جای شخصیت‌هایی صحبت کنند که نه ماندگارند و نه جذاب. او چند سال پیش در پاسخ به این سوال که چرا درخشش دوبله در سال‌های اخیر کم شده است؟ به ایسنا گفته بود: «فیلم‌هایی که تلویزیون در چند سال اخیر خریداری کرده بسیار ضعیف بودند و جذابیتی برای مخاطب نداشتند. کسانی هم که ذات این کار را می‌شناسند، دست و بالشان بسته است؛ یعنی از ما بهتران اجازه نمی‌دهند، فیلم بخرند».

مظفری معتقد بود که خرید فیلم‌ها توسط بخش خصوصی در سال‌های پیش از انقلاب و اکران آن در سینما موجب رونق دوبله شده بود و می‌گفت: «دوبله زمانی درخشش داشت که خرید فیلم توسط بخش خصوصی صورت می‌گرفت؛ چندین شرکت خصوصی وجود داشت که فیلم خریداری می‌کردند و با هم در حال رقابت بودند برای همین کارهای خوب و ماندگار به وجود می‌آمد». از نگاه سعید مظفری بزرگ‌ترین لطمه‌ای که به حرفه دوبله وارد شد، این است که فیلم‌های خارجی در سینما اکران نمی‌شوند و با برقی در نگاهش از سال‌های طلایی دوبله گفته بود: «زمانی که فیلم روی پرده سینما اکران شود، جذابیتش نسبت به زمانی که شما در کادر کوچک تلویزیون خانه‌تان آن را ببینید، دوچندان می‌شود». او با همان بیان صریحش از سانسور فیلم‌ها هم انتقاد کرده بود: «فیلمی که سانسور می‌شود، بخش زیادی از گیرایی‌اش را از دست می‌دهد و نمی‌تواند بیننده را جذب کند؛ البته این موضوع در رابطه با همه فیلم‌ها صدق نمی‌کند.

استاید دوبله با آن صداهای خاص و یکه به نوبت از میان ما رفتند. سعید مظفری هم یکی از آخرین بازماندگان آنها بود که همراه دیگر همکاران قدیمی خود شد و حالا تنها صدا و یادش در آثار بسیاری که به یادگار مانده، باقی است. دوبله ایران بزرگانی را از دست داد که جایگزینی برای آنها نیست و نمی‌توان هنر و صدای آنها را تکرار کرد.

به‌صورت انفرادی در گالری سوفیتا، فلورانس به نمایش درآورد. از آن پس کارنامه‌های بسیاری در کشورهای نظیر فرانسه، ایتالیا، آمریکا، کانادا و ایران برگزار کرد. از جمله نمایشگاه‌های انفرادی او به اسبارت گالری (پاریس، ۱۹۸۹)، ویلا گوچاردینی (فلورانس، ۱۹۹۵) و گالری هوریان (سانفرانسیسکو، ۲۰۰۱) می‌توان اشاره کرد و حتی برخی از آثارش روی کارت تلفن و کارت مترو در پاریس چاپ شده است.

نبوغ درخشان

رضا یحیایی با موادی چون پلاستیک، مرمر، برنز، آهن، مس، مفرغ و چوب پیکره می‌ساخت. پی‌ری وات استاد تاریخ هنر دانشکده هنرهای زیبای پاریس در گفت‌وگویی درباره رضا یحیایی گفته بود: «رضا یحیایی با کار طولانی و پرشکبک نشان می‌دهد که ماده، چه خمیر رنگی باشد چه گل یا مرمر، ویژگی گمان نابدردنی بس شگفتی دارد...» پائولا گرانزی منتقد هنرهای تجسمی نیز درباره او نوشته است: «آثار یحیایی، چه نقاشی‌ها و چه مجسمه‌ها از لطافت عمیق مادرانه، احساس توأم با عشق، درد رها شدن و ظرافت زنانه سرچشمه می‌گیرند.» بهروز دارش، نقاش و مجسمه‌ساز نیز در تشریح و توصیف آثار یحیایی نوشته است: «اثر رضا یحیایی بر بلندی برج میلاد، لازمان و لامکان! در نگاه کردن به آن باید بی‌تعلق بود. گذر از عادت‌ها، فراتر از نشانه‌ها و قراردادهای آسان دیدن پیوند نمی‌خورد.»

فیلیپ لویی، منتقد هنری نیز در یادداشتی درباره یکی از آثار این

فیلم سینمایی خارجی و ایرانی و سریال به چشم می‌خورد. رایان اونیل، پیرس برازنانا، آنتونیو باندرا، آمیتا باچان، جکی چان، سلمان خان، برد پیت، مارک روفالو، متیو مک کانهی، پل واکر، مایکل داگلاس، رابرت داوینی جونبور، دنیل کریگ، مایکل کیتون، کیانو ریوز، هیو گرانت و... دیگر بازیگرانی بود که صدای مظفری به دفعات به جای آنها نشست. آخرین کاری که او در عرصه دوبله انجام داد با مدیردوبلاژی خود او در فیلم «تلیت نامقدس» و صدایشگی به جای پیرس برازنان بوده است.

مظفری از همان نسلی بود که به سختی در استودیوهای کوچک دوبله کار خود را آغاز کرد و در بهترین آثار سینمایی جهان به جای مهم‌ترین شخصیت‌ها صحبت کرد. نسلی که به سختگیری مشهور بود و جوان‌ها باید پله‌پله از آنان می‌آموختند و به راحتی نمی‌توانستند، پشت میز دوبلاژ بنشینند. او تا همین اواخر به دلیل صدای جوانی که داشت، دوبله می‌کرد و به جوانان علاقمند به این حوزه آموزش می‌داد. در لایه‌لای همین تدریس‌ها هم بود که تاکید کرده بود: «خودت باش، تقلید نکن». مظفری در جمله‌هایی که با تمام وجود





سال هشتم شماره ۲۰۸۸
پنج‌شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

عقب‌گرد بازار

چرا بازار سهام با کاهش مواجه شد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران برای دومین روز متوالی با سرخ‌پوشی همراه شد و نماگرهای بازار سهام عقب‌نشینی کردند؛ این در حالی است که سه روز ابتدایی هفته جاری شاخص‌های بازار سرمایه، وضعیتی مثبت را تجربه کرده بودند. در پایان معاملات روز چهارشنبه، نماگر اصلی تالار شیشه‌ای با ثبت کاهش ۱.۳۸ درصدی، سطح ۳ میلیون واحد را از دست داد و به عدد دو میلیون و ۹۷۴ هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز در جریان معاملات روز چهارشنبه افت ۰.۳ درصدی را به ثبت رساند و به سطح ۸۶۹ هزار واحد کاهش یافت. ارزش معاملات خرد در این روز به ۱۲ همت رسید که از این میزان ۸۹۸ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد.

معاملات روز چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ در حالی به پایان رسید که شاخص کل بورس تهران با افت ۴۱ هزار و ۵۸۶ واحدی معادل ۱.۳۸ درصد، در سطح ۲ میلیون و ۹۷۴ هزار و ۵۲۶ واحد ایستاد. در مقابل، شاخص هم‌وزن کاهش ملایم‌تری را تجربه کرد و با افت ۲ هزار و ۵۷۳ واحدی معادل ۰.۳ درصد به عدد ۸۶۹ هزار و ۶۴۳ واحد رسید. این اختلاف در میزان افت دو شاخص نشان می‌دهد، فشار اصلی معاملات امروز بر دوش نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بازار بوده است.

در جریان معاملات دیروز، صنایع بزرگ از جمله پتروشیمی، فلزات اساسی، پالایشی و معدنی بیشترین اثر منفی را بر شاخص کل گذاشتند. در مقابل، بخشی از نمادهای کوچک‌تر بازار توانستند در محدوده‌های مثبت نوسان کنند و حتی تا پایان روز در مدار تقاضا باقی بمانند. این روند بار دیگر بر شکاف میان عملکرد نمادهای بزرگ و کوچک تأکید دارد و نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاران حقیقی فعلاً تمایل بیشتری به سهام کوچک‌تر دارند.

ارزش معاملات خرد بازار در روز چهارشنبه به ۱۲ هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان رسید؛ عددی که در مقایسه با روزهای گذشته کاهش خاصی ندارد و از تحرک نسبی معامله‌گران حکایت دارد. حجم معاملات نیز با ثبت رقم ۴۱ میلیارد سهم، بیانگر پویایی بازار و فعالیت فعالان حقیقی و حقوقی است. برخلاف روند نزولی شاخص کل، عدم افت ارزش معاملات را می‌توان نشانه‌ای امیدوارکننده دانست.

بر اساس آمار، قدرت خرید حقیقی‌ها امروز به عدد منفی ۱.۰۶ رسید و حدود ۸۹۷ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد. با این حال نکته مثبت اینجاست که خروج پول در مقایسه با افت شاخص چندان شدید نیست و می‌توان گفت، فروش‌ها بیشتر از سر احتیاط و تغییر موقعیت بوده تا ترس یا ناامیدی. میانگین سرانه خرید حقیقی‌ها ۶۷.۱ میلیون تومان و سرانه فروش ۷۱.۱ میلیون تومان بود که نشان از تعادل نسبی میان دو سوی معاملات دارد. همچنین طبق آمار ۵۳۶ میلیارد تومان از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد.

بازار امروز در بخش سفارش‌ها نیز وضعیت ترسناکی نداشت. ارزش سفارش‌های خرید با رقم هزار و ۱۵۵ میلیارد تومان از ارزش سفارش‌های فروش که ۷۷۹ میلیارد تومان بود، پیشی گرفت. همچنین تعداد صف‌های خرید به ۱۷۹ نماد و صف‌های فروش به ۴۳ نماد رسید. این اختلاف قابل توجه نشان می‌دهد در حالی که شاخص کل منفی است، بخش مهمی از بازار هنوز در وضعیت متعادل و بعضاً مثبت قرار دارد.

به طور کلی، بازار سهام در آخرین روز معاملاتی هفته با وجود افت محسوس شاخص کل، نشانه‌هایی از بهبود در عمق معاملات و رفتار معامله‌گران حقیقی را بروز داد. منفی امروز اگرچه از نظر عددی قابل توجه است اما برخلاف برخی تصورات، از نوع ریزش‌های سنگین و همراه با ترس فراگیر نیست. افت امروز بیش از آنکه حاصل بی‌اعتمادی عمومی باشد، بازتاب فشار فروش در نمادهای شاخص‌ساز و اصلاح قیمتی طبیعی پس از رشدهای مقطعی اخیر است. در بازارهای موازی نیز معاملات اسکناس آمریکایی در سطح ۱۰۹ هزار و ۵۰۰ تومان آغاز شد و در ادامه، قیمت دلار در همین کانال نوسان کرد. هر گرم طلای ۱۸ عیار در معاملات دیروز در محدوده ۱۱ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان قرار گرفت و سکه امامی نیز به کانال ۱۱۴ میلیون تومان وارد شد.



پنهان کاری نمی‌کنیم

دولت اعلام کرد فعلاً تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین ندارد

مصرف، دولت را ناچار به واردات گسترده می‌کند؛ وارداتی که با نرخ جهانی هزینه دارد، در حالی که فروش داخلی با یارانه، تنها ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان است. قاچاق سوخت نیز که سالانه میلیاردها لیتر را از دسترس خارج می‌کند، بار مالی دولت را سنگین‌تر کرده است. طبق برنامه هفتم توسعه، سهم بنزین در سبید حمل‌ونقل باید از ۵۲.۳۴ درصد فعلی به ۵۰.۵ درصد کاهش یابد و مصرف سالانه در ۱۴۰۵ تا ۱۴۰۷ به ترتیب ۴۵.۲، ۴۴.۴ و ۴۵.۷ میلیارد لیتر محدود شود. دولت در چارچوب سیاست‌های جدید برای بهینه‌سازی مصرف، کاهش وابستگی به بنزین و کنترل یارانه‌ها، ناگزیر از اعمال تغییر در قیمت یا نظام توزیع است. کارشناسان معتقدند، افزایش قیمت با اثر تورمی محدود (از طریق پلکان تدریجی) می‌تواند قاچاق را کاهش دهد، منابع را آزاد کند و به اصلاح الگوی مصرف کمک کند. با وجود اینس ضرورت‌ها، اجرای چنین تغییری بدون حمایت‌های اجتماعی، ریسک بالایی دارد. تجربه آبان ۱۳۹۸ که افزایش ناگهانی قیمت بنزین به اعتراض‌هایی منجر شد همچنان زنگ خطری است.

اما پرسش مهم این است که در نهایت، آیا دولت ناچار به افزایش قیمت بنزین می‌شود؟ پاسخ، بله است؛ نه به صورت فوری و شوک‌آور بلکه تدریجی و برنامه‌ریزی شده. کسری بودجه ۱۴۰۴ که بخشی از آن به یارانه سوخت مربوط است و نیاز به واردات ۱۰ میلیارد لیتری تا پایان سال، دولت را وادار به اقدام می‌کند. طباطبایی تأکید دارد که این افزایش «در چارچوبی پذیرفتنی» و با رضایت جامعه اجرا شود و پزشکian قول داده، مردم را غافلگیر نکند. سناریوهای محتمل شامل سه نرخی شدن، افزایش نسبی نرخ‌های فعلی یا حذف یارانه برای دهک‌های بالااست. اما موفقیت آن به حمایت از اقشار کم‌درآمد، سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی و کنترل تورم وابسته است. بدون اینها، تغییر قیمتی نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند بلکه جرعه‌ای برای بحران‌های بزرگ‌تر خواهد بود. دولت پزشکian که با وعده عدالت و حمایت از ضعيفان رأی آورده اکنون در آزمون دشواری قرار دارد: تعادل میان ضرورت اقتصادی و پایداری اجتماعی. اگر این تعدیل با شفافیت و مشارکت مردمی همراه باشد، می‌تواند گامی به سوی اصلاحات پایدار باشد؛ در غیر این صورت به تکرار اشتباهات گذشته منجر خواهد شد.

بخش خصوصی را فراهم کند. تجربه کشورهای موفق در توسعه نیز نشان داده که نقش دولت، تنظیم‌گری و هدایت‌گری است نه تصدی‌گری. در چنین چارچوبی، رفع موانع تجارت و تولید تنها به معنای تسهیل مجوزها یا کاهش تعرفه‌ها نیست بلکه به مفهوم بازآرایی کل نظام اقتصادی کشور است؛ از قوانین مالیاتی و گمرکی گرفته تا نظام بانکی، بیمه‌ای و ارزی. برای این کار باید اجماع ملی بر سر مسیر توسعه شکل گیرد؛ اجماعی که جناح‌ها و دولت‌ها را فراتر از رقابت‌های سیاسی در مسیر منافع بلندمدت کشور قرار دهد.

اگر این بلوغ حکمرانی حاصل شود، مردم خود پیش‌برنده اصلاحات خواهند بود. فعالان اقتصادی و کارآفرینان، وقتی مطمئن شوند، تصمیمات دولت قابل پیش‌بینی است و مقررات ناگهانی تغییر نمی‌کند، انگیزه پیدا می‌کنند سرمایه خود را به تولید و نوآوری وارد کنند. اقتصاد سالم و پویا، نتیجه اعتماد متقابل میان حاکمیت و مردم است نه نتیجه بخشنامه و دستور.

اصلاح اقتصاد ایران به تحول در شیوه تفکر مدیریتی کشور گره خورده است؛ تحولی از «مدیریت دستوری» به «حکمرانی تعاملی». تنها در این صورت است که سیاست‌های توسعه‌ای به ثمر می‌نشینند، فرصت‌ها بالفعل می‌شوند و ایران می‌تواند، جایگاه واقعی خود را در اقتصاد منطقه و جهان باز یابد.

شامل افزایش تدریجی فاصله قیمتی میان بنزین و گاز طبیعی فشرده (CNG) می‌شود تا مصرف‌کنندگان به سمت سوخت‌های جایگزین سوق یابند. همچنین اعمال سقف سهمیه برای دریافت بنزین، چندنرخی شدن سوخت و پرداخت هزینه حمل و حق‌العمل جایگاه‌های سوخت توسط مصرف‌کنندگان پیش‌بینی شده است. از آذر ۱۴۰۵ سهمیه‌ها از مقداری به اعتباری تبدیل می‌شوند و قیمت بنزین سالانه متناسب با نرخ تورم تعدیل خواهد یافت. در حال حاضر قیمت بنزین سهمیه‌ای ۱۵۰۰ تومان، بنزین آزاد ۳۰۰۰ تومان و بنزین سوپر ۳۵۰۰ تومان است اما جزئیات میزان افزایش، سقف سهمیه و نرخ جدید آزاد هنوز اعلام نشده است.

این مصوبه، که در پایگاه اطلاع‌رسانی دولت منتشر نشده، با تکذیب‌های رسمی روبه‌رو شده است. علی احمدنیا، رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت روز ۱۹ مهرماه در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: «برخی رسانه‌ها مدعی افزایش قیمت بنزین شدند. شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن تکذیب این ادعا اعلام می‌کند دولت برنامه‌ای برای افزایش نرخ بنزین ندارد.» با این حال روز گذشته علیرضا سلیمی، نماینده تهران و عضو هیات رئیسه مجلس در تذکری کتبی با انتقاد از این مصوبه گفت: «مصوبه اخیر دولت در ارتباط با بنزین مغایر صریح ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت است. اگر قرار باشد که ما در مجلس کاری بکنیم و آقایان نیز مسیر خود را طی کنند، امور سامان پیدا نمی‌کند. وظیفه دولت اجراست نه اینکه دائماً انشای قانون کند.» سلیمی تأکید کرد که این اقدام، دولت مسعود پزشکian را به دومین دولت پس از اصلاحات تبدیل می‌کند که به افزایش پلکانی قیمت بنزین روی می‌آورد؛ سیاستی که در ابتدای هر سال بر اساس نرخ تورم اجرا می‌شد و با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد متوقف شد.

دلایل اقتصادی این تصمیم عمدتاً به ناترازی تولید و مصرف بنزین بازمی‌گردد. بر اساس مصوبه هیات وزیران، مجموع مصرف بنزین در سال جاری باید ۴۳ میلیارد و ۲۲۰ میلیون لیتر باشد؛ یعنی متوسط روزانه کمتر از ۱۱۹ میلیون لیتر. اما گزارش تسنیم نشان می‌دهد میانگین مصرف روزانه در نیمه نخست امسال ۱۳۲ میلیون لیتر بوده و در سال گذشته حدود ۱۲۴ میلیون لیتر ثبت شده است. این مازاد

است. اگر رفع موانع تجارت و کسب وکار در دستور کار قرار گیرد، در کوتاهمدت جواب می‌دهد. بعد در بلندمدت می‌شود درباره اصلاح نهادها، سازوکارها و قواعد تصمیم گرفت.

اما تا زمانی که سیاستگذار درگیر روزمرگی و تصمیمات مقطعی باشد، هیچ چشم‌انداز روشنی شکل نمی‌گیرد. اقتصاد ایران امروز بیش از هر چیز نیازمند ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد عمومی است؛ عناصری که بدون آن، هیچ سرمایه‌گذاری داخلی یا خارجی پایدار نخواهد بود. اصلاحات اقتصادی واقعی، نه با شعار و نه با تغییر ناگهانی قوانین بلکه با اعتمادسازی میان دولت، بخش خصوصی و جامعه آغاز می‌شود. برای رسیدن به این نقطه باید حکمرانی اقتصادی از حالت متمرکز و دستوری خارج شود و جای خود را به تصمیم‌سازی مشارکتی و مبتنی بر شواهد بدهد. یعنی دولت به جای اینکه همه کارها را خود انجام دهد، بستر فعالیت مردم و

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

در روزهای اخیر، بحث افزایش قیمت بنزین به یکی از داغ‌ترین موضوعات مورد توجه افکار عمومی و محافل سیاسی تبدیل شده است. این افزایش قیمت که ریشه در چالش‌های ساختاری اقتصاد کشور دارد، تنها یک تصمیم اقتصادی به شمار نمی‌رود و به دلیل آثار گسترده‌اش بر معیشت مردم، تورم و ثبات اجتماعی به کلافی سردرگم و حساس بدل شده است. مخالفان دولت، با آگاهی از اجتناب‌ناپذیری تعدیل قیمت سوخت به دلیل فشارهای اقتصادی، کسری بودجه و نیاز به اصلاح ساختار یارانه‌ها همچنان از طریق ایجاد فشار سیاسی و اجتماعی تلاش می‌کنند تا این تصمیم را به تأخیر بیندازند.

اظهارات مقامات دولتی و نمایندگان مجلس نشان می‌دهد که احتمال تغییر در سیاست قیمتی و مصرف سوخت پیش از هر زمان دیگری قوت گرفته است. محمدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور در گفت‌وگویی تلویزیونی با تأکید بر پایین بودن قیمت بنزین در ایران، گفته است: «بنزین باید گران شود... در کشور ما بنزین بسیار ارزان است؛ مفت است. البته فکر نمی‌کنم، امسال گرانی بنزین اتفاق بیفتد.» این سخنان با واکنش‌های تند در مجلس همراه شد. امیرحسین ثابتی، نماینده نزدیک به سعید جلیلی و از جبهه پایداری، دیروز در صحن علنی مجلس ادعا کرد: «قرار است دولت نرخ سوم بنزین را ۳۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش دهد.» از سوی دیگر، سیداسماعیل حسینی، عضو کمیسیون انرژی مجلس، با تأیید ضمنی احتمال افزایش قیمت، یادآور شد: «مجلس قبلاً به دولت اختیار داده است که قیمت بنزین را افزایش دهد.» مجموع این مواضع، حاکی از آن است که افزایش قیمت بنزین عملاً نهایی شده و تنها زمان و شیوه اجرای آن باقی مانده است.

بر اساس مصوبه هیات وزیران، چارچوب اصلاح قیمت بنزین و سایر حامل‌های انرژی تعیین شده است. این مصوبه، که توسط باشگاه خبرنگاران جوان منتشر و با تصاویر مستند همراه بوده،

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

مشکل اصلی اقتصاد

چرا تصمیم‌گیری سیاسی مهم است؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

برطرف کردن موانع بزرگ اصلاح اقتصاد، ایران کارهای بزرگ‌تری از تصمیم‌گیری سیاسی لازم دارد. بنابراین نیاز امروز کشور قطعاً حکمرانی بلوغ‌یافته‌تر از دهه ۶۰ است. بلوغی که فقط فکر نکند با رفع تحریم و سازوکار برجام، مساله حل می‌شود. در نهایت همه توصیه‌ها به یک سیاست ختم می‌شود؛ سیاستگذار باید برای رفع موانع تجارت خارجی و داخلی تلاش کند و بقیه کار به مردم سپرده شود. مردم خودشان بلدند چگونه پول درآورند، شغل ایجاد کنند، کسب‌وکارشان را توسعه دهند، کجا بایستند و کجا حرکت کنند. مردم فقط باید بدانند که آینده چه چارچوبی دارد و به چه سمتی در حرکت



ادامه از صفحه یک

استقلال از دست رفته

واکنش جامعه پزشکی

این ابهامات و شایعه‌ها، واکنش‌هایی را برانگیخته است. یکی از موارد بارز، استعفای اعتراضی ناهید خداکرمی، عضو هیات اجرایی انتخابات نظام پزشکی بوده است. او در نامه‌ای عمومی روند اعلام صلاحیت‌ها را «توهین به کرامت صنفی پزشکان» خوانده است. از سوی دیگر، برخی پزشکان در شبکه‌های اجتماعی از «مهندسی انتخابات» و دخالت نهادهای خاص در جریان رقابت کرده‌اند.

فعالان صنفی نیز هشدار داده‌اند که ادامه این ابهام و عدم شفافیت ممکن است، ضربه مهلکی به مشارکت اعضا و مشروعیت نمایندگان صنفی بزند. آنان تأکید می‌کنند که تداوم چنین روندی، می‌تواند به کاهش مشارکت و لطمه به کارکرد نمایندگی نهادهای صنفی بینجامد. این نگرانی‌ها البته هنوز به پاسخ رسمی مشخصی نرسیده است؛ ملاک‌ها و مصادیق دقیق رد یا تأیید صلاحیت‌ها علنی نشده و منتقدان همچنان خواهان انتشار فهرست مستندات و شفاف شدن روند تصمیم‌گیری هستند.

از سوی دیگر، رئیس هیات نظارت مرکزی و مسئولان وزارت بهداشت همچنان اطمینان می‌دهند که تلاش اصلی بر تأمین حداکثری مشارکت بوده است. جمالیان وعده داده است که اعتراض داوطلبان بررسی می‌شود و در صورت رفع موانع، بسیاری به صحنه رقابت باز خواهند گشت. به هر حال تعداد بالای ثبت‌نام‌کننده (حدود ۶۱۰ نفر) و حداقل اعلام شده ردصلاحیت (۳۵ نفر) از نگاه رسمی، «انتخابات سالم و مشارکتی» را تضمین می‌کند. اما آنچه در ذهن بخشی از جامعه پزشکی نقش بسته، نگرانی از ادامه روند مهندسی در انتخابات تشکل‌هاست. به این ترتیب تا زمان رأی‌گیری روز جمعه، ابهامات زیادی درباره سازوکار بررسی صلاحیت‌ها باقی است.

ادامه یادداشت روز

تهدید حقوق اعضای جامعه پزشکی

در سایر موارد هم که به نوعی می‌توان از توان و اختیارات سازمان نظام‌پزشکی بهره برد متأسفانه با اینها مغفول مانده یا در حد یک امر تزئینی است. از مجلس شورای اسلامی و دولت توقع می‌رود، تلاش کنند چه در قالب تغییر قوانین و چه در قالب وضع برخی از آیین‌نامه‌ها، مقررات و دستورالعمل‌ها تا شرایطی ایجاد کنند که این نهاد بزرگ صنفی بتواند، امکان استفاده از حداکثر اختیارات خودش را داشته باشد.

موضوع بعدی که در بحث مشارکت به شدت تأثیرگذار است اطمینان از آزاد بودن، عادلانه بودن و سلامت انتخابات است. هر چقدر تلاش کنیم که میزان مشارکت آحاد جامعه پزشکی در انتخابات بیشتر شود طبیعتاً منتخبین به معدل جامعه پزشکی نزدیک‌تر هستند، انتخابات الکترونیک به عنوان یکی از انتخاباتی که به نوعی می‌تواند، زمینه حضور بیشتر اعضای جامعه پزشکی را فراهم کند جزو مواردی است که مورد خواست بسیاری از اعضای جامعه پزشکی به خصوص قشر جوان جامعه پزشکی است. انتظار و توقع از وزارت بهداشت، هیات اجرایی و نظارت این بود که با توجه به تجاری بودن که در این خصوص هم در خارج از کشور و هم در کشور خودمان وجود دارد، شرایط را برای یک انتخابات با حداکثر مشارکت ایجاد می‌کردند. نهایتاً حضور صندوق‌های رأی و تعدد آنها و حضورش در مکان‌هایی که مشارکت بیشتر اعضای جامعه پزشکی را داریم، می‌تواند خیلی کمک کند به اینکه تعداد بیشتری از اعضای جامعه پزشکی در انتخابات شرکت کنند. به نظر من همین الان هم دیر نیست و با توجه به فرصت کوتاهی که تا برگزاری انتخابات هست، می‌شود تعداد را بیشتر کرد یا تمرکز آنها را بر مجموعه‌هایی قرار داد که حداکثر جامعه پزشکی به سهولت در انتخابات شرکت کنند و نهایتاً بحث سلامت انتخابات از دغدغه‌های همه اعضای نظام‌پزشکی به خصوص کاندیداهاست و خوشبختانه با توجه به اینکه مسوولیت اجرای انتخابات در اختیار دانشگاه علوم‌پزشکی تهران قرار دارد و یکی از چهره‌های خوشنام جامعه پزشکی در رأس هیات اجرایی تهران قرار دارند و در بسیاری از شهرهای کشور هم دانشگاه‌های پزشکی مسوولیت این کار را برعهده دارند، امیدوار هستیم که این اطمینان‌بخشی هم صورت بگیرد. در ضمن با توجه به اینکه در این دوره انتخابات ما شاهد نوع متفاوتی از انتخابات حضوری هستیم باید آموزش‌های لازم هم در این خصوص صورت بگیرد تا اعضای جامعه پزشکی بتوانند ان‌شاء‌الله، آرای خودشان را به درستی به صندوق‌های رأی ببینند.
اتلاف سپید و کاندیداهای این اتلاف معتقد هستند که اگر شرایط برای حضور حداکثری آحاد جامعه پزشکی فراهم شود و همه انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان در شرایط مساوی و برابری رقابت کنند و رأی بدهند طبیعتاً نتیجه آن هر چه باشد مورد

سلب استقلال سازمان نظام پزشکی

فرزانه ترکان، پزشک در گفت‌وگو با سازندگی با اشاره به تاریخچه ایجاد سازمان نظام پزشکی و استقلال از دست رفته آن به «سازندگی» می‌گوید: سازمان نظام پزشکی ایران در سال ۱۳۳۹ با شخصیت حقوقی مستقل تأسیس شد و پزشکان نامدار و پزشکان قابل اعتماد جامعه پزشکی از پیشکسوتان در مرجعیت نظام پزشکی، تصمیم‌های اساسی را در جامعه پزشکی اتخاذ می‌کردند. از دهه ۶۰ متأسفانه برخورد ناجوانمردانه‌ای با اعضای هیات مدیره نظام پزشکی صورت گرفت. این برخورد تند به دلیل اختلافات سیاسی میان اعضای هیات مدیره، که بسیاری از آنها هماهنگ با دولت نبودند، به وقوع پیوست. در این دوران، برخی از اعضای هیات مدیره نظام پزشکی حتی به زندان انداخته شدند و نظام پزشکی از انتخابات آزاد خود محروم شد. صدها پزشک در جریان این اعتراضات دستگیر و و تعدادی تبعید شدند، رییس وقت سازمان نظام پزشکی خلع گردید. دولت دکتر هادی منافی را به عنوان رئیس جدید سازمان منصوب کرد. از آن زمان استقلال نظام پزشکی به شدت کاهش یافت و این روند در دولت آقای احمدی‌نژاد ادامه پیدا کرد. به طور خاص، اختیار تعیین تعرفه‌ها، تدوین آیین‌نامه‌ها و نظارت بر مراکز بهداشتی و درمانی از نظام پزشکی گرفته شد.

او ادامه می‌دهد: در حال حاضر متأسفانه شاهد ردصلاحیت‌هایی در انتخابات نظام پزشکی هستیم که بسیاری از افراد با صلاحیت و مورد تأیید جامعه پزشکی از حضور در انتخابات محروم شده‌اند. این روند به جز در چند مورد خاص که افراد توانستند وارد سازمان شوند و تأثیر مثبتی داشته باشند، در بیشتر مواقع ادامه پیدا کرده است. در آخرین دوره، اعضای هیات مدیره نظام پزشکی عملاً ضعیف‌ترین عملکرد را از خود نشان

دادند و نتوانستند از حقوق جامعه پزشکی به طور موثر دفاع کنند. او با بیان اینکه هدف این است که افرادی با توانمندی‌های اثرگذار در انتخابات شرکت کنند و روزمرگی‌ها را کنار بگذارند، تأکید می‌کند: با وجود تلاش‌های بسیار برای بهبود وضعیت، متأسفانه هنوز برخی از بزرگ‌ترین پزشکان که می‌توانستند تأثیرگذار باشند، ردصلاحیت شدند. این امر باعث اعتراض و رازینی‌هایی با رئیس‌جمهور شد اما همچنان تغییرات عمده‌ای در این زمینه مشاهده نمی‌شود. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، عدم مشارکت گسترده جامعه پزشکی در انتخابات است. بسیاری از پزشکان به دلیل ناامیدی از تغییرات جدی، تمایلی به شرکت در انتخابات ندارند. ما باید تلاش کنیم تا پزشکان را ترغیب کنیم تا از طریق صندوق‌های رأی به تغییرات اساسی در نظام پزشکی کمک کنند. باید تلاش کنیم تا اقتدار از دست رفته نظام پزشکی به آن بازگردد و تصمیم‌گیری‌های اساسی در عرصه پزشکی کشور توسط خود نظام پزشکی انجام شود.

اولویت‌های سازمان جدید

ترکان اضافه می‌کند: مشکلات معیشتی پزشکان، به ویژه پزشکان جوان و دستیاران، باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. بیش از ۳۰ هزار پزشک، شغل پزشکی را ترک کرده‌اند و به مشاغل دیگر پرداخته‌اند، بسیاری از پزشکان نیز به دلیل شرایط دشوار اقتصادی مهاجرت کرده‌اند. در این راستا باید ریشه این مشکلات شناسایی و برای حل آنها اقدام اساسی انجام شود. در‌مورد تعرفه‌ها و اصلاح دستمزدها این موضوع باید به طور جدی پیگیری شود. اگر درآمد یک پزشک عمومی از یک کارمند معمولی کمتر باشد طبیعتاً او در این سیستم نمی‌تواند باقی بماند. همچنین اگر درآمد یک پزشک متخصص از هزینه‌های جراحی کمتر از هزینه‌های

خواهد کرد. این کاندیدها علاوه بر اینکه چهره‌های شناخته‌شده جامعه پزشکی هستند، اخلاق‌مداری و نگاه حرفه‌ای اخلاقی‌مدارانه بزرگ‌ترین شاخصه آنهاست. تنوع از نظر رشته‌های مختلف پزشکی، تنوع به لحاظ دانشگاه‌های مختلف، تنوع به لحاظ حضور چهره‌های دولتی و بخش خصوصی همچنین تنوع به لحاظ بحث سنی و حضور چهره‌های جوان در کنار چهره‌های باتجربه از مهم‌ترین خصوصیات لیست اتلاف سپید است.

اتلاف سپید سعی خواهد کرد در عین اینکه رقابت سالم و عادلانه‌ای را دنبال می‌کند در طول زمان انتخابات هرگونه مواردی که به هر حال نیازمند به اعلام موضع هست را با نظرات کاندیداهای خودش اعلام کند و نهایتاً فکر می‌کنیم که در یک فضای سالم رقابتی با معرفی خوبی که در بین اعضای جامعه پزشکی خواهیم داشت، می‌توانیم انتخابات در حد استاندارد را رقم بزنیم.

واقعاً سفارش‌شم به همه کاندیدها به خصوص شرکت‌کنندگان و اعضای جامعه پزشکی این است، شرایط را به گونه‌ای کنیم که به جای نقد افراد، برنامه‌ها نقد شود و سعی کنیم که نقدهای‌مان، نقدهای منصفانه و عاری از تخریب و اتهام‌زنی باشد و نشان دهیم اگر می‌گوییم جامعه فرهیخته پزشکی این فرهیخته‌گی در جای‌جای آن وجود دارد. از همه آحاد جامعه پزشکی و کاندیداها می‌خواهم که این مسایل را رعایت کنند.

به عنوان کسی که دبیرکل انجمن اسلامی جامعه پزشکی هستم و مسوول پیگیری تشکیل اتلاف سپید، خوشحالم که در این دوره انتخابات چهره‌های زیاد و متنوعی از اعضای جامعه پزشکی حضور دارند، خوشحالم که در اتلاف سپید چهره‌هایی هستند که خوشنامان رشته‌های خودشان هستند و امیدوارم در یک انتخابات پرشور شرایط برای تشکیل یک هیات‌مدیره قوی هم برای تهران بزرگ و هم در سایر شهرستان‌ها شکل بگیرد. از اعضای جامعه پزشکی که مثل خودم انتخاب‌کننده هستیم، می‌خواهم روز جمعه پای صندوق‌های رأی هیات‌مدیره‌های نظام‌پزشکی بیایند و رأی بدهند. مطمئن باشید که اگر اعضای بیشتری حضور پیدا کنند، جدا از اینکه نمایندگان‌شان به معدل خواست جامعه پزشکی نزدیک‌تر هستند با اقتدار بیشتری می‌توانند، منافع این سازمان را پیش ببرند. تشکر می‌کنم از همه کاندیدهای محترمی که قبول دعوت اتلاف سپید را کردند.

وظیفه من به عنوان مسوولیت این ستاد و انجمن تا لحظه تشکیل این اتلاف بود و بعد هم تا روز جمعه که ان‌شاء‌الله انتخابات برگزار خواهد شد و بعد از روز جمعه همه کسانی که منتخبین جامعه پزشکی باشند مورد احترام ما هستند، آنها نمایندگان جامعه پزشکی در هیات‌مدیره تهران بزرگ و سایر هیات‌مدیره شهرستان‌ها هستند و ما هم با جدیت از منتخبین جامعه پزشکی حمایت خواهیم کرد.

یک آرایشگر باشد، نمی‌تواند زندگی خود را اداره کند. بنابراین اصلاح تعرفه‌ها، به ویژه از منظر بیمه‌ها، ضروری است. رابطه مالی میان پزشک و بیمار باید حذف شود و بیمه‌ها باید مسئولیت پوشش خدمات درمانی را بر عهده بگیرند چراکه بیمه‌ها، سال‌ها از ذخایر بیمه‌شدگان استفاده کرده‌اند و اکنون نوبت آن است که خدمات درمانی را به بهترین نحو ممکن ارائه دهند.

او با بیان اینکه این اصلاحات باید به گونه‌ای صورت گیرد که تأثیر منفی بر مردم نگذارد و از این طریق بتوانیم مشکلات معیشتی جامعه پزشکی را حل کنیم، تأکید می‌کند: متأسفانه همیشه بیمه‌ها در حل مسائل به درستی عمل نکرده‌اند و در واقع بار افزایش هزینه‌ها به مردم فشار وارد کرده است. باید راهکار مناسبی پیش‌بینی کنیم تا همزمان با افزایش تعرفه‌ها، نظارت کافی بر کیفیت خدمات ارائه شده نیز وجود داشته باشد. اگر کادر درمان از جمله پزشکان، پرستاران و دیگر عوامل سیستم درمان، دریافت کافی داشته باشند، در آن صورت می‌توان از آنها توقع کیفیت خدمات بالا، پرهیز از دریافت زیرمیزی و کوتاهی در ارائه خدمات داشت.

در غیر این صورت نمی‌توان در این زمینه کار جدی کرد و مانور داد. ترکان ادامه می‌دهد: برخی روسای دانشگاه‌ها بارها اعلام کرده‌اند که امکانات کافی برای افزایش ظرفیت پذیرش دانشجوی پزشکی ندارند و به همین دلیل دانشجویانی که وارد این رشته می‌شوند به لحاظ علمی دچار ضعف هستند. در حالی که بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ما کمبود پزشک نداریم بلکه مشکل اصلی کمبود پزشکانی است که وارد بازار کار می‌شوند و بسیاری از آنها به دلیل نداشتن درآمد مناسب، شغل پزشکی را رها کرده‌اند. اگر این مسائل اصلاح شوند به جای هزینه‌های گزاف برای افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها قطعاً مشکلات کمتری خواهیم داشت.

دانشگاه

برخورد حقوقی با دانشجویان خاطی

واکنش وزیر علوم به ماجرای دانشگاه بوعلی سینا

حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم تحقیقات و فناوری در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران واکنش رسمی خود را به ماجرای رفتار غیراخلاقی برخی دانشجویان خارجی دانشگاه بوعلی سینا در همدان بیان کرد. وی اعلام کرد: «با هر دانشجوی خارجی که هنجارهای کشور را نقض کرده حتماً برخورد حقوقی خواهیم کرد.» وزیر علوم تأکید کرد که تا کنون هیچ شکایتی به صورت رسمی ثبت نشده است و افزود که موضوع تحت بررسی دقیق قرار دارد.

ایسن اظهارات در پی انتشار گزارش‌هایی از برخی دانشجویان عراقی دانشگاه بوعلی سینا مطرح شد که ادعاهایی مبنی بر ارسال پیام‌های توهین‌آمیز و پیشنهادات غیراخلاقی به دانشجویان دختر ایرانی در فضای مجازی مطرح گردید. این موضوع به سرعت در رسانه‌ها منتشر شد و موجی از اعتراضات را در میان مردم و دانشجویان همدانی به همراه داشت.

در پی این اتفاقات، جمعی از دانشجویان و شهروندان همدانی در تاریخ ۱۴ مهر ماه مقابل دانشگاه بوعلی سینا تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار رسیدگی سریع و شفاف به این مسائل شدند. در همین راستا حمزه امرایی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار همدان، اظهار کرد که موضوع در دست بررسی است و هنوز هیچ نتیجه قطعی در خصوص این ادعاها به دست نیامده است. وی همچنین هشدار داد که هرگونه اظهارنظر خارج از روند رسمی می‌تواند موجب برداشت‌های نادرست شود.

علیرضا تشاری، نماینده مردم نهاوند در مجلس در واکنش به این مسائل بر ضرورت شفاف‌سازی در خصوص ملیت دانشجویان خاطی تأکید کرد و گفت: «اگر دانشجوی عراقی مرتکب تخلف شده باید ملیت او مشخص شود. نباید هیچ تفاوتی بین دانشجویان مختلف در برخورد با تخلفات وجود داشته باشد.»

دانشگاه بوعلی سینا نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که تاکنون هیچ شکایتی رسمی در زمینه رفتارهای غیراخلاقی در یافت نکرده است و همه گزارش‌ها تا این لحظه در کمیته انضباطی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفته است. دانشگاه همچنین تأکید کرد که دانشجویان بین‌المللی نیز ملزم به رعایت قوانین و مقررات کشور و دانشگاه هستند و در صورت تخلف به صورت قانونی با آنان برخورد خواهد شد.



سال هشتم شماره ۲۰۸۸
پنج‌شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴



حافظه

بررسی رخدادهای تاریخی

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حرف‌چین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۹۷

ادامه پنج‌شنبه ۱۱ اسفند

شکایت تیمسار بقایی از کمبود اعتبارات ارزی

پیمانکار [قرارگاه مهندسی خاتم‌الانبیاء] سپاه و مجری و کارفرما وزارت نیرو و همه کار به دست نیروهای ایرانی و مشاوره در [شرکت] مهاب قدس انجام شده؛ ارتفاع بدنه ۱۳۱ متر و طول تاج سد هزار و ۱۰۰ متر و ظرفیت دریاچه در عالی‌ترین سطح، بیش از هفت میلیارد متر مکعب آب است.

مهندس [علیرضا] تابش، [ریس بنیاد مسکن]، مهندس [رسول] زرگر، [معاون وزیر نیرو] و مهندس [علی] خلجی توضیح می‌دادند. ساعت سه‌ونیم بعدازظهر، ناهار خوردیم و با امام‌جمعه اندیمشک ملاقات و مصاحبه کوتاهی با مجله وزارت نیرو و سخنرانی کوتاهی در جمع مدیران، ساعت ۵ به پایگاه وحدتی برگشتیم و با بدرقه نظامیان به سوی تهران پرواز کردیم. در مسیر، مذاکرات مفیدی با تیمسار بقایی در مورد امکانات و نیازها و ابتکارات نه‌اجا و با مهندس زرگر درباره سدهای در دست احداث داشتیم. گفتیم که مشکل آب طرح ستاد معین [خرمشهر] را حل کنند. مهندس زرگر، معاون آب وزارت نیرو است و گفت، آقای خاتمی، [ریس‌جمهور] می‌خواهند، در آخر فروردین، در سد کرخه و مسجدسلیمان را افتتاح کنند ولی با افتتاح چیزی عوض نمی‌شود چون سد کرخه هم‌کنون آب مورد نیاز اراضی زیر سد را تأمین می‌کند و نیروگاه هم به این زودی تکمیل نمی‌شود و ممکن است، این سنوال پیش‌آید که چه اتفاقی بعد از افتتاح خواهد افتاد؟

در سد مسجد سلیمان- گذارند- وضع بدتر است؛ چون آنجا اصلاً مسأله کشاورزی و آب مطرح نیست و فقط برای تولید برق است و نیروگاه آن سد، آماده نیست و بعد از افتتاح و قبل از افتتاح فرقی نمی‌کند و می‌تواند افتتاح‌ها، قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری، هدف سیاسی داشته باشد و ممکن است، رقبا مسأله را مطرح کنند.

تیمسار بقایی، از کمبود اعتبارات ارزی شکایت داشت و گفت، اگر ارز داشتیم، می‌توانستیم هواپیماهای اف ۵ ساخت ایران را آماده پرواز کنیم؛ چون بدنه ساخت ایران، آماده است؛ منتظر خرید آن بخش است که باید از خارج وارد شود. گفت، لامپ رادارهای هاگ ساخت شده است. شب در خانه به خواندن گزارش‌ها و نوشتن خاطرات سفر گذشت.

جمعه ۱۲ اسفند

ناامنی و هرج و مرج زیاد در پاکستان

در منزل بودم؛ با استراحت و مطالعه کارهای عقب مانده در ایام سفر. در بعضی نماز جمععه‌ها ازجمله خرم‌آباد، انتقاد شده از اینکه دفتر تحکیم وحدت، برای سمپاشی علیه هاشمی، پول گرفته است. در نماز جمععه تهران، جمعی از حزب‌اللهی‌ها راهپیمایی کرده‌اند و علیه سیاست‌های فرهنگی دولت، شعار داده‌اند. دولت انگلیس ۲۱ گروه را جزو تروریست‌ها شناخته ازجمله منافقان [= سازمان مجاهدین خلق] و اکثر آن گروه‌ها از سازمان‌های مبارز اسلامی هستند؛ ازجمله بخشی از حماس و بخشی از حزب‌الله لبنان. در پاکستان پس از اعدام حق‌نواز قاتل شهید [صادق] گنجی، سپاه صحابه دست به اقدامات وسیع تروریستی علیه شیعه زده و ناامنی و هرج و مرج زیاد شده است. مخالفان و خارجی‌ها بیشتر روی تقاط تدد و تهدیدآمیز صحبت‌های رهبری در دانشگاه تکیه می‌کنند. اوضاع فلسطین و مناطق اشغالی رو به وخامت می‌رود. با دکتر سعید [لاهوئی، همسر فاطمی] درباره امور خانوادگی مذاکره کردم. شب، محسن آمد و گزارشی از وضع پسته‌کاری قم و جاده ساوه و وضع موزه رفسنجان داد. در مورد تصمیم وزارت کشور برای خرید واگن‌های متروی مشهد از غربی‌ها هم توضیحاتی ارایه داد.

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

در هر تقویم جهانی، چند روز هست که بشر را نه به جشن که به تأمل فرا می‌خواند. یکی از آنها ۱۷ اکتبر است؛ روز جهانی مبارزه با فقر.

روزی که بر خلاف بسیاری از مناسبت‌های سازمان ملل نه از دل سیاست بلکه از دل رنج برآمد. صبح‌های پاییزی، همیشه رنگی از اسدوه دارند؛ انگار فصل، خودش به یاد فقر افتاده باشد. وقتی باد سرد از میان برگ‌های زرد عبور می‌کند، گویی صدای میلیون‌ها انسانی را می‌شنوی که هنوز در حاشیه شهرها در اتاق‌های نمور و در صف‌های طولانی نان ایستاده‌اند. جمعه پیش رو، جهان بار دیگر به یاد آنها می‌افتد؛ روزی که نامش در تقویم رسمی «روز جهانی مبارزه با فقر» است اما در واقع، یادآور شرمی است که تمدن مدرن هنوز از آن رها نشده است.

سنکی در پاریس و بیانیه‌ای در نیویورک

ماجرای این روز از دل یک جنبش کوچک در فرانسه آغاز شد. ۱۷ اکتبر ۱۹۸۷ در میدان تروکادرو پاریس، جایی که اعلامیه جهانی حقوق بشر امضا شده بود بیش از صد هزار نفر گرد آمدند. نه سیاستمداران بلکه فقرا، کارگران، معلمان و فعالان مدنی. آن روز کنششی فرانسوی به نام ژوزف ورنسنسکی بر سنکی یادبود نوشت: «هر انسانی که در فقر زندگی می‌کند، هویتی به شأن انسانی است».

همان سنگ بعدها نماد جهانی شد. سازمان

ملل چند سال بعد با الهام از این حرکت مردمی ۱۷ اکتبر را «روز جهانی ریشه‌کنی فقر» نامید. اما این پرسش باقی ماند که آیا این نگاه از ریشه‌چپ‌گراییه برمی‌خاست یا راست‌گرایانه بود؟ پاسخ پیچیده است.

اندیشه ورنسنسکی رنگی از سوسیالیسم اخلاقی داشت؛ همان باور دیرین به برابری انسان‌ها و نفی ساختارهایی که فقر را بازتولید می‌کنند. در نگاه او، فقر نه یک ناکامی شخصی بلکه شکستی اخلاقی برای جامعه بود. اما در سوی دیگر، سازمان ملل با زبان اقتصادی و میانه‌رو وارد شد؛ با شاخص‌ها، نمودارها و هدف‌هایی قابل اندازه‌گیری. از آن پس فقر تبدیل شد به مفهومی که هم راست و هم چپ می‌توانستند درباره‌اش سخن بگویند اما نه الزاماً از یک موضع.

چپ‌ها آن را محصول نظام ناعادلانه سرمایه‌داری می‌دانستند. راست‌ها آن را پیامد ناتوانی در کار، فساد یا سوءمدیریت. جهان در میانه این دو، راه سومی را برگزید که آمارسازی، صدور بیانیه و وعده‌هایی بود که اغلب هرگز تحقق نیافت.

چهره‌ای چندگانه از یک رنج قدیمی

در ایران، فقر ریشه‌ای عمیق دارد. فاصله طبقاتی نیز داستان امروز و دیروز نیست. به اندازه خود فقر، موضوعی کهن است. فقر دیگر به یک طبقه محدود نیست؛ سایه‌ای است که بر چهره تمام طبقات افتاده است. در مترو، در بازار، در آپارتمان‌های محقر و حتی در شبکه‌های اجتماعی، رذش پیداست. واژه‌هایی مثل «تورم»، «گرانی»، «حقوق ثابت» و «خط فقر» دیگر خشک و آماری نیستند؛ بوی زندگی می‌دهند، بوی نان سوخته صبحگاهی، بوی اضطراب اجاره‌خانه، بوی درمان نشدن اما فقر در ایران تنها اقتصادی نیست. می‌توان از سه چهره فقر سخن گفت.

اول، فقر مالی که ناتوانی از تأمین نیازهای اولیه زیستن؛ نان، دارو و سرپناه است. دوم، فقر فرهنگی که تهی شدن از ذوق و آگاهی؛ بی‌میلی به دانستن، بی‌حوصلگی برای فهمیدن است. سوم، فقر نهادی که به ساختارهای دولتی اشارت دارد



که شعارشان عدالت است اما به دلیل سیاست‌های اشتباه نابرابری تولید می‌کنند. در سال‌های اخیر این سه فقر درهم تنیده شده‌اند. مردی که از پس اجاره خانه بر نمی‌آید، چگونه می‌تواند برای فرزندش کتاب بخرد؟ زنی که برای کار روزانه باید دو ساعت در صف بایستد، چگونه می‌تواند به مشارکت اجتماعی یا فرهنگی فکر کند؟ در نتیجه فقر، خواسته و ناخواسته یک حافظه جمعی شده است.

وقتی فقر از جیب به ذهن می‌رسد

فقر مالی، ابتدا با معده شروع می‌شود، بعد به ذهن سرایت می‌کند. در کشورهایی با فقر گسترده، تصمیم‌گیری عقلانی جای خود را به بقا می‌دهد. فقر یعنی زوال آینده‌نگری. وقتی مردم فقط به امروز فکر می‌کنند، جامعه وارد چرخه‌ای می‌شود که در آن سیاست، پوپولیستی‌تر و اقتصاد، کوتاهمدت‌تر می‌شود. در مقابل، فقر فرهنگی نوع دیگری از تهی‌دستی است. جامعه‌ای که کتاب نمی‌خواند، موسیقی نمی‌شنود، شعر نمی‌خواند و یا فیلم خوب نمی‌بیند، نمی‌تواند خوب و بد

را تفکیک کند و دیر یا زود به دام ساده‌انگاری می‌افتد. درمان دو فقر، اقتصاد عادلانه و فرهنگ آزاد است. راه مبارزه با فقر مالی، روشن است اما دشوار است. سیاست‌های بازتوزیعی، مالیات بر ثروت‌های بزرگ، حمایت از طبقه متوسط، شفافیت در هزینه‌های عمومی و سرمایه‌گذاری در آموزش و زیرساخت‌هاست اما هیچ اقتصاد پایداری بدون فرهنگ آزاد دوام نمی‌آورد. برای رفع فقر فرهنگی باید انسان را دوباره به مرکز بازگرداند. به سوی آزادی رسانه‌ها، دسترسی به دانش، استقلال نهادهای فرهنگی، گسترش کتابخانه‌ها و مدارس و تقویت اندیشه انتقادی در آموزش رفت. جامعه‌ای که پیاموزد چگونه فکر کند، دیر یا زود یاد می‌گیر که چگونه ثروت بیافریند.

تصویر فقر در آینده

فقر در آینده احتمالاً چهره‌ای پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر خواهد داشت. ما حتماً با فقر دیجیتال هم روبه‌رو خواهیم شد. زیرا با رشد سریع فناوری، دسترسی نابرابر به اینترنت پرسرعت، مهارت‌های دیجیتال و هوش مصنوعی می‌تواند، شکاف جدیدی از محرومیت ایجاد کند. کسانی که به این ابزارها دسترسی ندارند از فرصت‌های شغلی و آموزشی آینده نیز محروم خواهند ماند. فقر ناشی از تغییرات اقلیمی، فقر جدیدی است که با آن روبه‌رو هستیم. بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی (مانند خشکسالی، سیل و مهاجرت اجباری) به طور نامتناسبی بر جوامع فقیر و آسیب‌پذیر تأثیر می‌گذارد و چرخه‌های فقر را شدیدتر می‌کند. مبارزه با فقر در آینده تنها با ارائه پول نیست؛ بلکه مستلزم تغییر دیدگاه است تا فقر به عنوان انکار کرامت انسانی تلقی شود. هدف، ایجاد سیستم‌هایی خواهد بود که نه تنها نیازهای اولیه را تأمین کنند بلکه توانمندسازی واقعی افراد برای مشارکت کامل در جامعه و شکل‌دهی به آینده خودشان را نیز تضمین کنند. آینده بدون فقر، آینده‌ای است که در آن، کرامت برای همه یک واقعیت قابل لمس باشد نه یک آرزوی دست‌نیافتنی.

جهان، هنوز در صف نان

جمعه که بیاید، بیانیه‌های سازمان ملل در توئیتر منتشر می‌شود. سیاستمداران وعده می‌دهند، خبریه‌ها کمپین راه می‌اندازند و اقتصاددانان از رشد ۲ درصدی سخن خواهند گفت. اما در گوشه‌ای از جهان، زنان و مردانی همچنان غوطه در فقر هستند و کارتن‌خوابی می‌کنند. یا هنوز در صف مرغ و غذا ایستاده‌اند. در بمبئی، کودکی در خیابان می‌خواهد؛ در قاهره، پیرمردی از سر ناچاری دارویش را نصف می‌کند؛ و در لندن، مردی با حقوق ثابت، قبض برق را با دلهره باز می‌کند. فقر، جهانی است. اما شرم هنوز خصوصی است.



دفتر مرکزی

-مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۲ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۸.

نوع ضمانتنامه:

۱) اصل فیش واریز نقدی به حساب شماره ۰۳۶۴۲۵۸۲۲۹۰۰۸ به نام کمیته امداد امام خمینی (ره) نزد بانک ملی ایران.

۲) ضمانتنامه بانکی به نفع برگزار کننده مناقصه(کمیته امداد امام خمینی(ره)) با اعتبار ۳ ماهه بابت شرکت در مناقصه.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۲۰۰۰ ریال می باشد که می‌بایست علاوه بر برگزاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت اصل آن نیز تحویل مناقصه‌گزار گردد.

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه:

تهران، میدان آزادی، ابتدای بزرگراه شهید لشگری، بعد از مجتمع شهید فکوری، ساختمان مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ره)، طبقه ۷، اداره کل پشتیبانی، تلفن تماس ۲۳۹۰۲۴۰۲

دفتر مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ره)

شناسه آگهی: ۲۰۲۶۴۹۶

نوبت دوم

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی(یکپارچه) دو مرحله‌ای پشتیبانی تلفنی مخاطبان معاونت امور فرهنگی(تحت پوشش کمیته امداد) در راستای تحلیل، برنامه ریزی و اجرای عملیات‌های لازم جهت تشکیل پرونده فرهنگی، آموزشی، مهارتی و ...

کمیته امداد امام خمینی (ره) ستاد مرکزی در نظر دارد فراخوان پشتیبانی تلفنی مخاطبان معاونت امور فرهنگی(تحت پوشش کمیته امداد) در راستای تحلیل، برنامه ریزی و اجرای عملیات‌های لازم جهت تشکیل پرونده فرهنگی، آموزشی، مهارتی و ... کمیته امداد امام خمینی (ره) به شماره ۰۳۰۰۰۳۰۰۰۵۰۴۰۲۰۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

-مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت ۱۲ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۴.

م الف ۲۶۵۴